

پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن

نویسنده : سید حسین موسوی راد لاهیجی

پیشگفتار

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

انه خیر ناصر و معین

امیرالمؤمنین علی علیه السلام: خیر ما ورث الابیاء الابناء الادب⁽²⁾

هر کس که نفس خویش را پاک و تزکیه کرده و رستگار شده و آنکس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و محرم گشته است . هیچ میراثی در اسلام گرانمایه تر از ادب و تربیت صحیح نیست ، انسان تمایلات نفس اماره اش به سوی بدیها و پلیدیهاست و علی الدوام او را به فساد و زشتیها دعوت می نماید، لذا تکلیف انسانی و دینی او اقتضا دارد که خود را به حسن عمل و رفتار و کردار شایسته موظف سازد و خود را تربیت کند.

قوا انفسکم⁽⁴⁾

از خود سازی به ساختار اهل و عیال و اولاد بپردازید تا از آتش جهنم مصون بمانید.

برای تربیت اولاد، همیاری و همکاری برتر و برجسته تر از یاری مهربان ، و همسری دلسوخته و آشنا و محرمی رازدار نیست که ما را در تربیت و فرزندان یاری بخشد و وظائف و تکالیف تربیتی کودکان را با ما تشریک مساعی نماید لذا همسری مهربان برای خویش ، و مادری دلسوز و عاشق برای فرزندان انتخاب و اختیار کنیم تا ما را در این مسئولیت خطیر یار و مددکار باشد از خود فرزندان با صلاحیت و تربیتی شایسته و با اخلاقی ممتاز و با هوش و ذکاوتی کافی و کامل به جامعه تحویل دهیم .

از خداوند حکیم استمداد و استدعا کنیم و از زبان گویای علی ابن الحسین علیه السلام عرض کنیم خدایا بر ما منت بگذار، و فرزندان صالح به ما مرحمت فرما و بر اصلاح و تربیتشان ما را کمک ده و بر بقاء و دوامشان و تمتع و بهره وری از

عمر و وجودشان ما را مسرور و خوشحال گردان و بر ما به سلامت جسم و
دیشان منت گذار و آنان را در دنیا قرۃ عین و از باقیات الصالحات ما قرار ده ،
و یار و یاور دین و دنیا و آخرتمان گردان .

انتخاب همسر

تربیت را از کجا شروع کنیم؟

از انتخاب همسر:

دانشمندان علوم تربیتی و صاحب‌نظران پرورش و آموزش در آغاز تربیت فرزندان اختلاف نظر دارند، گروهی معتقدند تربیت را از دوران دبستان و آموزشهای اولیه کودک باید شروع کرد وقتی که کودک کار نوشتن و خواندن را می‌آموزد تربیت را با آموزش شروع می‌نماید و به کمک آموزش، پرورش روحی و تربیت را نیز آغاز می‌نماید و این برنامه تربیتی را برای پسر و دختر بالسویه غالباً از سنین شش سالگی شروع می‌نمایند.

ناگفته نماند که دنیای متمدن امروز و کارشناسان فرهنگی و آموزش و پرورش سن شش سالگی را برای آموزش و تعلیم در نظر گرفته اند نه تربیت و پرورش روانی و دینی و اخلاقی!!! لذا در کنار کلمات ساده آموزشی، کلمات تربیتی و پرورش کمتر گنجانده شده است و این نشان می‌دهد که کارشناسان و روانشناسان در کار تعلیم و آموزش، سن شش سالگی را مناسب برای پرورش روحی و تربیتی نمی‌بینند، لذا کمتر دستور العمل آموزشی برای کارهای روحی و تربیتهای دینی و معنوی در دبستان و کلاس اول به چشم می‌خورد.

اما در اسلام، پیامبران الهی و پیشوایان معصوم مخصوصاً آموزش و پرورش روحی و دینی و عبادی را از سنین پنج تا شش سالگی توصیه نموده اند. و پاره ای از دانشمندان سنین تربیت اطفال را از دوره راهنمایی یا بالاتر ذکر کرده اند.

و گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که تربیت روحی از بدو تولد شروع می‌گردد.

ولی ما به لطف الهی با تحقیقات وسیع ابتکار عمل را به دست گرفته و مسئله تربیت اطفال را از انتخاب همسر آغاز نموده ایم ، درست است که هنوز فرزندی وجود ندارد که تا تربیتش آغاز گردد، ولی اگر ما یک همسر فهمیده و عالمه و مؤمنه و مهربانی که شرائط تربیت صحیح فرزندان آینده ما را در دست بگیرد، اختیار نمائیم به خوبی می‌توانیم صاحب یک یا چند فرزند صالح و شایسته باشیم ، چرا که بیشترین بار تربیتی و اخلاقی روی دوش مادرها نهاد شده است و این مادر با کفایت است که مهمترین دوران تربیتی کودکان را به عهده دارد.

بنابراین به تبعیت از قانون وراثت ، همسری انتخاب نمائیم که تمامی اوصاف و سجایای اخلاقی و تربیتی شایسته برای فرزندان آینده مان در آن خانواده یافت شود و بعد از تفحص کامل و تحقیق گسترده از آن خانواده همسر انتخاب نموده تا از چنین همسر فرزندان شایسته و خوبی را انتظار ببریم .

برای دست یافتن به یک همسر با کفایت و خوب و شایسته ، به ناچار باید علم و اطلاعی از قانون وراثت داشته باشیم و یا به وسیله یک دانشمند که به علم انساب آگاهی داشته باشد بتوانیم یک همسر شایسته اختیار کنیم ، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام توسط برادرش عقیل که عالم به انساب عرب بود و به علم انساب آگاهی داشت ، همسر شایسته ای انتخاب کرد و از آن همسر خوب ابوالفضل العباس علیه السلام را به دست آورد.

اینک پردازیم به قانون وراثت ، از این فصل خواسته های خود را تاءمین نموده و از راه وراثت گمشده خود را بیابیم .

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

خیر ما ورث الالباء الابناء الادب⁽⁶⁾ مردان و زنان بی همسر را همسر دهید و همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را، اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند آنانرا از فضل خود بی نیاز می سازد. خداوند وسعت دهنده آگاه است . اینجا دو نکته قابل توجه و جود دارد، اول اینکه ، دختران و پسران ذیصلاح که از نظر جسمی و عقلی و اخلاقی شایسته ازدواج باشند، باید ازدواج نمایند دوم اینکه ، فقر و ناداری ملاک عمل قرار نگیرد، چونکه خداوند از فضل خود زندگی مستضعفان مؤمن را تاءمین و تضمین فرموده است .

در اسلام شرایط و اوصافی را برای زن زندگی و مادر شایسته ذکر کرده اند که از جمله این است که عاقله ، فهمیده و مؤدب و به آداب حمیده و پسندیده و از بیتهای نجیب و اصیلی بوده باشند تا بتوانند فرزندان شایسته ای برای جامعه تربیت نمایند.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید:

همانا در امر زنان مذاکره داشتیم ، امام حرائر و زنان آزاد با آنان مذاکره نکنید.چرا که ایشان آزاده اند و این خود امتیاز بزرگی است در مقابل جاریه و کنیز که آنان دارای شرافت بیشتری هستند.

ولکن خیر الجواری ما کان لك فیها هوی و کان لها عقل و ادب فلسست تحتاج الی ان تاءمر و لا تنتهی و....

امام علیه السلام می فرماید: اما بهترین جاریه و کنیزی که مورد علاقه توست ، اگر دارای عقل و ادب بود، پس او را انتخاب کن ، چرا که محتاج نیستی به او امر و نهی کنی (چون او دارای عقل و درایت است و تربیتی که دارد، رضایت تو را جلب می کند).

والده بعضی از امامان معصوم علیهم السلام کنیز بوده اند. و از تعهدات دیانت و تقوی هم فوق العاده برخوردار بوده اند و امام موسی کاظم علیه السلام در رابطه با کنیزی که از تربیت کافی برخوردار نیست فرمود:

و دون ذلك ما كان لك فيها هوى وليس لها و ادب فانك تحتاج الى الامر و النهي .

هرگاه کنیزی پست تر که دارای ادب و تربیت نبود، در این صورت تو محتاج به امر و نهی و تربیت او هستی .

یعنی اگر او دارای عقل و درایت و ادب تربیت نباشد، پس تو باید او را تربیت کنی و او را بسازی و آنچنان که می پسندی او را آموزش دهی و پرورش کنی .

در انتخاب همسر کفو و هم شاعن را اهمیت دهید

قرآن کریم مبین این حقیقت است و می فرماید: مردان مؤمن با زنان مؤمنه و زنان مؤمنه با مردان مؤمن باید ازدواج نمایند. در قانون وراثت هم این مسأله مورد اهمیت قرار گرفته ، چرا که زن های اول یک زن مؤمنه با اسپرما توزوئید یک مرد منافق با هم بیامیزند، نیمی ایمان و نیمی نفاق است ، البته گاهی اوصاف نفاق یا ایمان والدین ، یکی بر دیگری غالب می آید و ممکن است کیفیت و ماهیت کودک تماما به یک طرف متحول گردد. قرآن کریم در مورد همکفو و همشاعن در ازدواج تاءکید نموده و می فرماید:

الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات اولئک مبرؤن مما یقولون و لهم مغفرة و رزق کریم⁽⁸⁾

به شرابخوار اگر از دختر شما خواستگاری کند وصلت نکنید و به او زن ندهید. در روایت دیگر حضرت امام می فرماید:

من زوج کریمته من شارب خمر فقد قطع رحمها⁽¹⁰⁾

در گناه بزرگ و ذنب لایغفر زنی ، که از شوهر مست خود اطاعت کند امام صادق علیه السلام می فرماید:

ایما امرأة اطاعت زوجها و هو شارب الخمر کان لها من الخطایا بعدد نجوم السماء و کل مولود تلد منها فهو نجس و لایقبل الله منها صرفا و لا عدلا حتی یموت زوجها او خلع عنه نفسها⁽¹²⁾

در متلاشی شدن نسل آدم شرابخوار و بیمار و ناتوانیهای جسمی و ناهماهنگیهای جمجمه و حتی مرگ و میر کودک و یا انواع بیماریهای موجود در کودکان شما لازم است از شرابخواری و نوشیدن الکل اجتناب نمائید. پس شما پدرم ، مادرم از یک لحظه هوسرانی و لذتخواهی به وسیله مشروبات الکلی

سرنوشت من فرزند را تباه نکنید و بدینوسیله به بیماری لاعلاج و آسیب های
جبران ناپذیر گرفتارم نسازید.

بنابراین ، ازدواج در اسلام ، یک پیمان ملکوتی است که باید بر طبق قوانین
و اساس حق و حقیقت استوار گردد و پیوند نکاح و زناشوئی در اصل باید بر
معیارهای صحیح اسلامی برقرار شود.

ازدواج با اموال ایتام و مساکین؟!!!

امیرالمؤمنین علیه السلام به یکی از عمال خود در رابطه به ازدواج از پول حرام

چنین نوشت :

ایها المعداد کان عندنا من ذوی الالباب کیف تسیغ شرابا و انت تعلم انک تاکل
حراما و تبتاع الاماء و تنکح النساء من مال الیتامی و المساکین⁽¹⁴⁾

روزگار اسرار نهران را آشکار می سازد

یا در جای دیگر آمده است :

الایام تهتک لک الامر عن الاسرار الکامنة⁽¹⁶⁾ در این زمانها ممکن است مردم

آقای راسل و ارسطو، فیلسوف مشهور را مسخره کنند، چنانکه در دارا بودن

چنین عقاید، علما و صاحب نظران مذاهب را به مسخره می گیرند ولی باید به

عقیده ارسطو و همینطور ادیان الهی ارج نهاد، چون یک فیلسوف نامی مثل

ارسطو تحت تاءثیر خرفات قرار نمی گیرد و بدون دقت نظر و تحقیق و تجربه ،

سخن به زبان نیاورده و یا رقم نمی زند.

پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن

در اسلام مسأله ایام الله و لیالی متبرکه و قداست یا نحوست بعضی از امکانه و ازمنه و مسئله قمر در عقرب ، و یا اوقات گرفتن ماه و خورشید، یا بروز و ظهور رنگین کمان ، و اثرات جوی آن ، در کنار خیلی از آثار نحوست و سعادت و امثال آن تاءثیر فراوان در زمان و مکان دارد. ناگفته نماند همان گونه که ایام و لیالی متبرکه امتیازهای فراوانی دارد، همچنین اوقات و ایام و لیالی وجود دارد که منحوس و مرموز بوده و اثرات بدی در دوره هفته ، ماه و سال دارد که بعضی کارها از جمله ، آمیزش امور جنسی در آن ناشایسته بوده و تاءثیر بدی در روح و روان جسم و جان باقی می گذارد. بنابراین ، ایام و لیالی و ساعات و لحظات در مقایسه با خوردنیها و نوشیدنیها در جسم و روح انسان اثر مطلوب و یا نامطلوب خود را خواهد گذاشت و لذا بهتر است زوجین برای اوقات آمیزش خود حسابی دقیق باز کنند و مخصوصا برای تولید نسل سالم و صحیح دقت عمل بیشتری ایفا نمایند.

نقش وراثت در تربیت

الحال پدرم : همسری که فردا مادر ما فرزندان آینده شما است باید دارای عفاف و حجاب و سجایای اخلاقی و اوصاف شایسته برجسته انتخاب نمائی چرا که ما فرزندان وارثان اوصاف شما پدر و مادر هستیم و از زیباییها و خلیات و اوصاف شما ارث می بریم ،

مادرم : ما فرزندان از پدر مجد و عظمت و بزرگواری و سخاوت و کرامت و شجاعت او را به ارث می بریم ، بنابراین همسری که دارای سجایای اخلاقی و کرامت انسانی باشد انتخاب کن که تا فردا پدری بزرگوار و شایسته برای ما باشد. در فرهنگ لغات می خوانیم .

ورث اباه مالہ و مجدہ (18)

بنگرید که فرزند خود را در چه محلی جای می دهید فرزندتان را در چه آغوشی می پرورانید زیرا اخلاق و ویژگیهای (مادران) به فرزندان متصل می گردد.

حیات شناسان می نویسند: عامل وراثت در کجا مقام دارد؟ و یا در کدام قسمت از سلول نهفته است ؟ و مسئولیت پذیری و ارث بری آنرا به کدام یک از اعضاء نسبت دهیم ؟ و چه قسمتی از پرتو پلاسما، و کدام یک از قطعات هسته موجب می گردد که مثلا پسری شکل بینی مادر و چشمان پدر را بارت برد، و فلان کیفیت را از اجداد خویش اخذ کند؟! (20)

حضرت امام با قبضه شمشیر به دوش فرزندش محمد کوئید و فرمود: این ضعف و ترس را از مادرت به ارث برده ای . پس اثبات شد که بیشترین ارث

بری فرزند از مادر است ، نه از پدر - بنابراین پدرم برای من مادر خوب انتخاب کن .

از نظر وراثت محمد حنفیه وارث ضعف و ترس مادر است ، چرا که در مولای متقیان هیچ ترس و وحشتی راه ندارد مگر از خدا می ترسد، ترس محمد حنفیه از راه وراثت از مادر به او رسیده است .

پس ای برادر، در امر ازدواج و انتخاب همسر اگر به سرنوشت فرزندانان علاقمندید، همه اوصافی را که دوست می دارید در فرزندانان تبلور پیدا کند آن اوصاف حمیده را در همسر آینده تان سراق بگیرید، زیرا حضرت علی علیه السلام فرمود:

حسن الاخلاق برهان کرم الاعراق ⁽²²⁾ مادر حاتم از زنان بسیار معروف در سخاوت وجود و کرم بود.

بنابراین مادر حاتم ، او را به ده جوان شجاع و دلیر مبادله نکرد ولی پدر در مقابل بذل و بخشش و سخاوت بلند حاتم تحمل نکرد و او را از منزل بیرون کرد. پدرم ، مادرم : از دودمان و خانواده های معروف و شایسته برای من پدر، و مادر انتخاب نمائید.

وراثت از دیدگاه قرآن

وراثت و ارث بری را کتابهای آسمانی بالاتفاق تأیید کرده و از آن سخن بسیار به میان آمده است قرآن از زبان حضرت نوح پیامبر اولوالعزم ، فرمود:

رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا انک ان تذرهم یضلوا عبادک ولا یلدوا الا فاجرا کفارا⁽²⁴⁾.

و سلام و درود خدا بر من روزی که زاده شدم و روزی که میمیرم و روزی که برانگیخته گردم و زنده شوم و چون یحیی علیه السلام به این مقام نرسیده بود ساکت شد تا خدا بر او سلام فرستاد و فرمود:

والسلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم بیعث حیا⁽²⁶⁾.

زکریا آن همه فضیلت و کرامت از مریم دید دست به دعا برداشته گفت :
پروردگارا مرا از ناحیه خود فرزندی و نسلی پاک ببخش .

علامه طباطبائی در تفسیرش می فرماید: ذریه طیبه آن فرزند صالحی است که مثلا صفات و افعالش با آرزویی که پدر از فرزند داشت مطابق باشد⁽²⁸⁾.

با این عیوبات که در میان زن و مرد جامعه وجود دارد، تو ای انسان متعهد و مسئول ، همسری از این جامعه برگزین که صد در صد این معایب و بدیها در او نباشد تا فرزندی سالم و بی نقص ، بلکه دارای امتیازات برجسته ای شما را نصیب گردد.

ژنهای عامل انتقال وراثت

ژنهای عامل وراثت به طور نصف در هسته سلول زن و مرد موجود است و گاهی به طور اتفاق ممکن است سلول مرد بر زن یا بالعکس هسته سلول زن بر مرد غلبه پیدا کند، در نتیجه فرزند از نظر اخلاق و یا اوصاف یکی از پدر یا مادر را به ارث برد.

که در این باره پیامبر بزرگ اسلام فرمود:

ولم یاءتک الا من عرق منک او عرق منها.

این فرزند غیر مشابه یا از عرق و ویژگیهای تو که پدر او هستی پدید آمده است یا از عرق همسرت که مادر کودک است . یعنی از اوصاف و اخلاق ویژگیهای آباء و امهات یکی از پدر یا مادر را به وراثت کسب نموده است .

چرا بعضی کودکان به پدر و مادر شباهت ندارند؟!

امر مهم ازدواج اگر از یک زوج سالم دارای اوصاف حمیده و اخلاق شایسته صورت پذیرد و کارهای زندگی مشترک آنان صحیح بر مبنای اسلامی انجام گیرد و مسئله مضاجعت و لقاح به طور طبیعی ، بدون دلهره و اضطراب واقع شود، فرزند صحیح و سالم و از شباهت کامل به والدین نیز برخوردار خواهد شد.

حضرت مجتبی علیه السلام فرمود:

ان الرجل اذا اتى اهله بقلب ساكن و عروق هادئة و بدن غير مضطرب
استكنت تلك النطفة في الرحم فخرج الرجل يشبه اياه و امه ⁽³⁰⁾

قانون وراثت از قوانین مسلم و تغییر ناپذیری است که خداوند حکیم برای حفظ نظام بشریت وضع و مقرر فرموده و آن را جزء لاینفک انسان قرار داده است و لو صفات انسان تا 99 پشت از آباء به ابناء منتقل گردد. و اینکه قضاوت صریح حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در مورد فرزند رنگین پوست که از یک پدر و مادر انصاری سفید پوست تولد یافته بود، و نظریه آلکسیس کارل و دهها دلائل و شواهد دیگر معلوم می شود که فرزندان و نوادگان ، بیشترین صفات و اخلاق نفسانی و جسمانی آباء و اجداد خود را به ارث می برند و انتقال این اوصاف و خصوصیات یک قانون مدون و منظم است و آن ، قانون تکوینی وراثت است و اختیاری نیز نمی باشد، چه انسان بخواهد و چه نخواهد، اخلاق و اوصاف آبا و اجداد خود را به ارث خواهد برد.

دکتر الکسیس کارل درباره قانون وراثت می گوید:

بین کودکان یک خانواده که همگی در دامان یک مادر و یه یک نحو پرورش یافته اند، اختلافات فاحشی در شکل و قد و ساختمان و حالت عصبی و میزان

فعالیت فکری و صفات اخلاقی و معنوی وجود دارد، بدیهی است که این اختلافات وراثتی است. (32)

حضرت فرمود: تو 99 عرق و ویژگی داری و همسرت نیز 99 عرق و ویژگی دارد، آنگاه که آمیزش انجام می گیرد، هر یک از این ویژگیها (عروق) از خدا می خواهد که نوزاد جدید مطلق با (شکل و هیئت) او به دنیا بیاید، پس برخیز که او فرزند توست و آنچه همسرت برای تو زاییده است جز یکی از عروق تو یا همسرت نیست .

با تفاوت تمامی حالات در فرزندان و اختلاف رنگ و پوست و صورت و سیرت که با والدین پدید می آید، تنها ژن است که پاسخگوی وراثت است یعنی وراثت از راه ژن نقش مهمی را ایفا می نماید، اگر وراثت از اسپرما تو زوئید و اوول تکون می یافت ممکن بود خلق و خوی و سایر حالات فرزند به پدر و مادر شباهت پیدا می کرد و اوصاف فرزند محدود می شد نه اوصاف والدین ، اما قانون وراثت شباهت صد در صد و تام و تمام فرزند با والدین را رد کرده است ، ممکن است فرزند متعلق به یکی از 99 عرق از آباء و امهات باشد و با عرق و خصوصیات والدین فاصله درازی پیدا کند یا در هر دو از والدین ارث برد و هم ممکن است از آباء و امهات و اجداد خویش اوصاف و خلق و خوی را به ارث ببرد، یعنی برای انسان 99 عرق است و ممکن است به اوصاف یکی از 99 عرق منتسب گردد.

بنابراین پدرم ، مادرم ، به تمام معنا، سجایای اخلاقی و اوصاف نیک و بد و زشت و زیبایم به شما والدین و آباء و امهاتم پیوند خورده و برخاسته است با همه این استدلالات من فرزند، وارث اخلاق خیر و شر شما می باشم و هر چه هستم و هر که باشم از شما هستم ، پس برای من ، پدر و مادر خوبی باشید و

برای تربیت صحیح من به وظائف دینی ، اخلاقی ، فرهنگی ، بهداشتی عمل کنید، تا من نیز از شما برای آیندگانم عنصر مفید و مؤثر باشم .

دوران بارداری

مسئولیت‌های مادر، در دوران بارداری

وظائف مهم تربیتی مادر از بدو حمل و بارداری شروع می‌گردد، مسئولیت مادر در دوران بارداری، باری سنگین و وظائف و تکالیفی بس مهم را به عهده گرفته است.

مادر باید بداند که پس از احساس بارداری و حمل، بار سنگین و پر مسئولیت امانتداری را به عهده گرفته و در حفظ و حراست و پاسداری از موقعیتهای روحی و معنوی و سلامت جسم و جان کودک باید بکوشد و بداند که سعادت و شقاوت فرزند عزیزش از بطن او شروع می‌گردد.

مراقبتهای لازم برای یک مادر مؤمنه و متعهدده ایجاب می‌کند که او بداند فرزندش چه دختر و چه پسر نقش دوم او را ایفا می‌نماید و نجابت و پاکدامنی و حجاب و عفاف و طهارت و خباثت و شقاوت مادر در فرزندش نقش مهم و اساسی و بنیانی دارد.

بنابراین مادر باید در حفظ و سلامت روح و جسم فرزندش از همان دوران حمل مراقب و مواظب باشد.

مادر و سعادت و شقاوت کودک !!

پس از انعقاد نطفه دوران پر ماجرای حمل و بارداری شروع می گردد، دوران بارداری مادر، مسئولیتهای خطیر مادری او آغاز و مادر از همان ابتدای حمل ، بار سنگین تربیتی کودک را بعهده می گیرد.

پیامبر بزرگ اسلام مبنای سعادت و شقاوت کودک را از همان آغاز بارداری تعیین کرده و می فرماید:

الشقی من شقی فی بطن امه و السعید من سعد فی بطن امه (34)

...زن بر اهل بیت شوهرش و (در غیاب او) بر تمام فرزنداناش فرمانروائی نموده و مسئولیت تربیتی آنان را به عهده دارد.

سعادت و خوشبختی فرزند سرمایه ایست که مادر برای خود و همسر، خاصه فرزندش سعی و تلاش می کند که تاءمین نماید، اگر یک پسر یا یک دختر به کمال نهائی خود راه یافت ، این عزت و عظمت را از مادر کسب نموده و زحمات تربیتی و پرورشی مادر، او را به این سعادت و خوشبختی رسانده است و از فیض کمال و جمال و سعادت و خوشبختی فرزند مستفیض و بهره مند می شود و رشد و ترقی مادی و معنوی فرزند را مادر برای خود افتخار می داند و به آن می بالد.

باید گفت شقاوت و بدبختی و زبونی فرزند نیز دودش اول به چشم مادر می رود و ایذاء و اذیت فرزند معلول جسمی و روانی ، ابتداء متوجه مادر است . و مادر اگر از ایمان و نجابت و اصالت برخوردار باشد آثار زشت و کارهای ناهنجار فرزند را بیشتر از دیگران احساس می کند که او موجبات فضاحت و

رسوائی مادر را فراهم کرده و واکنش عمل پرورشی و تربیتی فرزند ابتدا به مادر بر می گردد.

مادر است آن کسی که می سوزد	همچو شمع بی به پای فرزند
ورشود مادری اسیر هوس	غافل از اجرای فرزند
اوست مسئول هر چه پیش آید	از گناه و خطای فرزند
می کند مادر وظیفه شناس	هستی خود فدای فرزند (36)

موقعیتهای معنوی و علمی و روحانی این دو بزرگوار ایجاب می کرد که تا در عالم رؤ یا شیخ مفید سید رضی و سید مرتضی را به جای حسنین علیهما السلام برای تعلیم و تربیت تحویل بگیرد که این دو بزرگوار از نوابغ عالم به شمار آمدند. پدرم !!! در انتظار انتخاب چنین مادر با فضیلت از جانب شما هستم ، که به راستی با انتخاب چنین همسر شایسته به من فرزند نیز فضیلت و بزرگواری می بخشی و عزت دارین نصیب من می گردانی .

گزیده ای از اشعار پروین اعتصامی

همیشه دخترا را امروز
مادر فرداست

ز مادر است میسر بزرگی پسران
اگر فلاطین و سقراط بوده اند بزرگ

بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
به گاهواره مادر به کودکی بس خفت

سپس به مکتب حکمت
حکیم شش دلقمان

چه پهلوان و چه سالک چه زاهد و چه فقیه
شمندند یکسره شادگرد این دیرستان

وظیفه زن و مرد ای حکیم دانسی چیست؟
یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیمان

بزرگترین و عالیترین نقش مادر در تربیت فرزند، اصالت بخشیدن به فرزند و حفاظت و حراست از آرمانهای دینی و پاسداری از نعمت عظمای ولایت و محبت اهل بیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و تزکیه نفس است و چنین مادری می تواند سعادت و خوشبختی فرزندانش را تضمین نماید، اما مادر بی تعهد و بی فضیلت، برای تربیت کودکانش هیچگونه مایه نمیگذارد و رنج تربیت او را متحمل نمی شود و معلوم است از دامن چنین مادران جز فرزندان بی فضیلت و ناپاک پرورش نمی یابد!!

حقیقت سعادت و شقاوت در چیست ؟

سعادت و خوشبختی بشر در چهار صفت نهفته است . در تعریف و تحلیل از حقیقت سعادت و شقاوت امام صادق علیه السلام در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل نموده که حضرت می فرماید:

ان حقيقة السعادة ان يختم للمرء عمله بالسعادة و ان حقيقة الشقاء ان يختم للمرء عمله بالشقاء.⁽³⁸⁾

بنابراین تضمین کننده سعادت و شقاوت فرزند مادر است و مادر شدن و پذیرش مادری مسئولیت خطیری است که هر مادر به عهده گرفته و قبول کرده است .

پند پذیری سعادت ، و غرور شقاوت است

امام علی علیه السلام در مورد سعادت و شقاوت چنین می فرماید:

والسعید من وعظ بغيره ، والشقی من انخدع بهواه و غروره ⁽⁴⁰⁾

کسیکه اندرز و نصیحت پذیرد از رسوائی و فضاحت مصون و محفوظ ماند.

بنابراین ، مادر با پند پذیری سعادت مند می شود و سعادت فرزند خویش را

تضمین و تاءمین می نماید.

نقش مادر در سوء تربیت فرزند

داستانی را ملک الشعراء بهار در این زمینه به نظم در آورده که برای همه ،
خاصه مادران پندپذیر، بسیار آموزنده و عبرت انگیز است ملک الشعراء در این
داستان ، پسری را که از سوء تربیت مادر، راه دزدی سرقت را آموخته بود و
کارش به جایی رسیده که سرانجام به اعدام و به دار آویختن محکوم شده بود
چنین بیان می کند:

پسرش دست بازیگر	هیبت مرگ بر دلش خنجر
خواننده قاضی زنامه عملش	دزدی اسباب و شستر و استتر
چوبه دار گفت کیف اوست	بهر آسایش گمراه بشهر
در پای دار جوان	مادرش بر سر و سینه زنان

به میدان تاخت و پسرش را دست بسته و آماده اعدام دید

گریبان چاک زد و فریاد برآورد وای ، جـــــوانم !!

جوان گفت : مادر زبانت را در دهانم بگذار تا بمکم و آرام گیرم .

مادر پیر چانه پیش آورد	به دهانش زبان نمود اندر
پسور بدیخت نیشها بفشرد	بر زبان عجز و خاک بر سر
زیر دندان زبان مادر کند	ریخت خون از دهان هر دو نفر
مادر از هوش رفت و فرزندش گفت	با مردم ای مهین معشر جوان

در خطاب به مردم گفت :

بسه دشنام من لب مگشایید که شرح حالم را با مادرم بگویم

پدر من نوکر خانه ای بود با همه مهربانی خانواده اش را تاءمین می کرد، دو ساله بودم که پدرم مرد، مادرم با دو طفل صغیر ماند، در دو سالگی اندک اندک تا دم دکان محله رفتم ، تخم مرغی از دکان دزدیدم ، مادر چون دید بر رخم خنده زد:

مادرم دید و بر رخم خندید	نه به من زد طیانچه و نه تشر
نه به من گفت این عمل دزدیست	شاخ دزدی فضاحت آرد بر
خنده مادر و خوشی او	پسرش را ز راه برده در
تا به اینجا کشید بیضه دزد	که شتر دزد گشت و غارتگر
لاجرم من زبان مادر را	قطع کردم چون اره شاخه تر
زانکه هست این زبان بی معنی	قاتل من به معنی دیگر
اگر او عیب کسار دزدی را	به من آموخته بود گاه صفر
کی به این کار می نهادم پای	کی به این دار می کشیدم سر؟!

سوء تربیت مادر در دوران کودکی و اهمیت ندادن به دزدی و سرقت های کوچک و بزرگ ، پسر را به آنجا کشاند که شتر دزد شد و سرش به پای دار رفت و آن بدنامی و غائله فراموش نشدنی را برای خود و خانواده اش به وجود آورد.

مادر موظف است اثر بدو واکنش کارهای زشت و ناهنجار را به رخ کودکان بکشد و به آنها بفهماند که در زندگی ناسالم و کارهای خلاف و خطا بالاخره سر به رسوائی می زند و فضاحت و وقاحت به بار می آورد. در اسلام برای

کودک در مقابل کارهای زشتش تکلیف شرعی مثل حد و تازیانه نیست ، ولی تاءدیب و تنبیه مقرر شده است .

امام امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

لا حد علی الاطفال ولکن یؤدبون ادبا بلیغا⁽⁴²⁾

آدمی باید به دقت به غذای خویش بنگرد.

دقت نظر هم به حلیت غذا و هم به سلامت آن و هم به تاءثیر مثبت و منفی و جانبی آن و دهها عوامل دیگر باید مورد دقت و تحقیق و بررسی قرار گیرد، در این رابطه قرآن و پیشوایان معصوم علیهم السلام بسیار اهمیت داده اند و روایات و احادیث اهل بیت علیهم السلام در مورد تغذیه فوق العاده زیاد است و همه انسانها به ویژه مسلمانان مسئله غذا را باید به دقت مورد مطالعه و بررسی و تحقیق قرار دهند و چه چیز خوردن؟ و چگونه خوردن؟ و چقدر خوردن؟ و میزان و معیار خوردنیها و استفاده های معقول و مطلوب از آنها باید همه و خاصه مادرانی که جنین در رحم دارند خیلی دقیقتر و آگاهتر عمل نمایند. در این مورد پاسخهای علمی و طبی و پزشکی در: رابطه با غذا، دارو، شرائط محیط، ناقص الخلقه ها، عجیب الخلقه ها، نوزادان غیر طبیعی ، کلا به دو دسته از علل خارجی و علل داخلی تقسیم می گردند.

1- علل و عوامل خارجی : عوامل فشار و ضربه و مسائل جوی و محیطی

ممکن است در خلقت جنین و به سلامت جسمی و روحانی او لطمه بزند.

2- علل و عوامل داخلی : کمبود مواد غذایی و نرسیدن اکسیژن کافی به

جنین و نرسیدن آب لازم و پروتئین کافی ، مواد چربی و قند و کمبود ویتامین ها و املاح معدنی ممکن است باعث نقص خلقت و بد شکل کردن و زشت رو شدن و نواقص دیگر به وجود آید.

مثلا زن آبستن باید تحت یک شرایط خاص به سر برد، یعنی بیشتر استراحت داشته باشد و از فعالیتهای سخت و دشوار و جست و خیزهای زیاد پرهیزد. از جمله : اگر خانمی در اوائل آبستنی سوار هواپیما و به ارتفاع بیش از 200000 تا 250000 پا صعود کند به علت کمبود اکسیژن در ارتفاعات بالا در خون داخلی رحم ممکن است جنین او دچار نقص خلقت شود و یا در سنین بالاتر ممکن است سقط جنین نماید.⁽⁴⁴⁾

مادران جنایتکار

تولد صدها کودک ناقص در هر سال برای یک کشور، آفت و مصیبت بزرگی است ، بدون تردید گناه و جنایت و فساد و بی بند و باریهای پدران و مادران شهوت پرست ، میگسار، قمار باز و کسانی که از خوردن هر نوع غذای حرام و نجس و ناپاک و آلوده هیچ باکی ندارند و دارای اخلاق فاسد و در عین حال با هیجانها و دلهره ها و در حال مستی در تولید نسل و تکثیر اولاد نقش ایفاء می کنند، اینان فرزندان و نسلهائی غیر از این ناقص الخلقه ها و معلول و مفلوج و منگل نخواهند داشت .

و اینک با بررسی بیشتر در این باره ، معلوم می گردد که علت این نواقص در جنین و کودک چیست و چگونه به وجود می آید) طبق تحقیقات به عمل آمده در روایات اسلامی و هم نظریات دانشمندان و صاحب نظران بعضی از عوامل نقص عضو و علل و بیماریهای مادر زادی ممکن است همبستری و مضاجعت در شبهایی که صورت می گیرد قمر در عقرب باشد در اینصورت ممکن است موجب سقط جنین یا نقصان خلقت گردد و یا اگر هنگام همبستری ، مرد به عورت زن نگاه کند و اگر در آن لحظه نطفه منعقد گردد چه بسا ممکن است آن بچه کور متولد شود و یا زن باردار و آبستن مشروبات الکلی و مواد مخدر استعمال کند ممکن است عوارض زیادی متوجه جنین بشود و این موارد ذکر شده و روایات اسلامی نظریات دانشمندان و محققانی است که از تجربه و دانش طبی و از علمیت آنان خارج و به دور نیست و دیگر اینکه از نظر علمی و دانش روز با ثبات رسیده که اگر در لحظات ماه گرفتگی یا خورشید گرفتگی

مضاجعت و همبستری رخ دهد و یا نطفه در حین ترس و وحشت زوجین منعقد شود ممکن است در کروموزمها نقش منفی داشته باشد و اثر بد بگذارد.

و یا مثلا در حین خسوف و ماه گرفتگی اگر دست مادر به هر قسمت بدن جنین برسد آن قسمت ممکن است تغییری پیدا کند و با جاهای دیگر بدن جنین فرق داشته باشد مثلا مادر آن قسمت از بدن جنین خود را از روی شکم خود تماس حاصل کند یا لمس نماید یا نظر افکند و حالات دیگر، ممکن است آن قسمت از بدن کودک تیره و کبود شود.

انعقاد نطفه در حال مستی و بی عقلی و با بی شعوری ممکن است نقش منفی در کروموزم های جنین ایجاد کند.

بدینوسیله کودک ممکن است منگل و علیل و ناقص به دنیا آید. اگر اسلام در احکام فقهی، زنان باردار را که دروان آخر حمل را میگذرانند روزه را ممنوع اعلام نموده به علت اینست برای جنین مضر دانسته و روزه را برای زن باردار مجاز نمی داند شاید یک قسمت به خاطر همین نقص خلقت و علل بیماری برای کودک باشد.

بنابراین بیشترین علل و عوامل بیماری نقص عضو و عارضه های ناشی از: کوری مادرزادی، شش انگشتی، بیماریهای روانی و جسمی دیگر را کودکان از والدین به گونه ای به دست می آورند و به ارث می برند و جا دارد که چنین کودکان خطاب کنند به والدین و بگویند: پدر و مادر مرا خوب تربیت کن و مرا با اشتباه کاریهای خود علیل و ناقص و ناتوان پرورش نکن.

تغذیه زنان باردار

مادران آبستن از نظر تغذیه سالم و حلال و استفاده از انواع میوه ها و سبزیهای خوردنی و مفید می توانند بطن خود را محل پرورش فرزندان سعادت‌مند و سالم و خوشبخت قرار دهند.

غذاهای فاسد و نوشابه های الکلی برای زنان آبستن فوق العاده مضر و خطرناک می باشد، زیرا الکل صرفنظر از مسمومیتی که ایجاد می کند ویتامینهای غذای مادر و جنین را می سوزاند و ویتامین مورد نیاز آنها را از بین می برد. در نتیجه فرزند ناقص الخلقه و معیوب به دنیا می آید.⁽⁴⁶⁾ مطمئنا هر غذائی که به جسم جنین یا کودک مضر بوده ممکن است بعضی غذاها به روح و روان او نیز زیان و ضرر برساند.

مادر: سلامت جسم و روح و روانم را با مشتتهیات و تمایلات نفس اماره و خطاکاریهای تهدید مکن و با مسامحه کاریها و تنبلیها در تهیه غذای سالم و مقوی و متنوع ، با خوردن غذاهای حاضری و کالباس و سوسیس و همبرگر و دیگر غذاهای فاسد و مشتبه و غیر حلال و غیر بهداشتی در حالت حمل من فرزند، به سعادت و خوشبختی و استعدادهای خلاق به پیشرفتهای و موفقیتهای معنوی و مادی من لطمه و صدمه نزن .

نقش خرما در حلم و تقوای کودک

غذا و آب و میوه ها و تمامی ماءکولات و مشروبات ، در ساختار وجود انسان نقش حیاتی دارد و برای هر نوع از خوردنیها و آشامیدنیها اثر وضعی خاص می باشد مثلا برای خرما و رطب یک اثر وضعی ویژه ای ذکر کرده اند پیامبر اسلام می فرماید:

اطعموا المرثة فی شهرها الذی تلد فیہ التمر فان ولدها یكون حلیمًا تقیا⁽⁴⁸⁾

عده ای از کودکان در روزهای اول عمر مبتلا به زخمهایی می شوند که ، آنها را اگزمای کودکان و یارشکا می گویند. این زخمها به قدری دیر معالجه می شود که پدر و مادر طفل را معذب و خسته می نماید، این زخمها نتیجه سوء تغذیه مادر هنگام آبستنی است ، چنانکه مادر هنگام آبستنی ادویه تند، مثل فلفل زیاد بخورد، یا مثلا، در خوردن خردل یا دارچین افراط نماید، نوزاد او مبتلا به (اگزما) می گردد⁽⁵⁰⁾.

بنابراین لکننت زبان یک نقیصه بسیار بزرگی است که کودک از مادر و سوء تغذیه او در زمان حمل به یادگار دارد.

وظائف مادر در دوران بارداری

زن باردار و مادر آینده، زنی است که، امانت بزرگی را حمل می نماید و بنا دارد که امانت الهی یعنی فرزندش را حفظ و حراست نموده و با سلامت روحی، جسمی و روانی به دنیا بیاورد.

از وظایف پدر است که محیط امن و سالمی را برای همسر و فرزندانش فراهم سازد و شرایط مناسب و خوبی جهت همسر باردار خویش به وجود آورد و با حفظ و حراست و پاسداری از همه ابعاد اخلاقی، تربیتی و بهداشت کودک آینده خویش بکوشد و از آوردن غذاهای حرام و مشتبه و مشکوک و فاسد و آلوده پرهیز نماید وظیفه شوهر است که محیط خانه را از موسیقی و صدا و تصویر حرام و مشتبه پاک و از گناه دروغ و غیبت، فحاشی و سخن چینی و هر حرام دیگر پاک سازی نماید تا همسر باردار او امانت خویش را به سلامت حفظ نموده و فرود آورد.

تغذیه حلال و پاکیزه

تغذیه حلال ، غذای پاک و سالم و گوارائیسست که شخص مؤمن و متعهد برای تغذیه خود و اهل و عیال و اولاد خویش فراهم می سازد و این خود مسئولیت بزرگی است که پدر، شوهر، و یا رئیس یک خانواده آنرا بعهدہ گرفته است .

از امام باقر علیه السلام می پرسند از قول خدای تعالی که فرمود:

فلینظر الانسان الى طعامه ...

پس باید انسان به غذای خویش بنگرد. یعنی چه ؟

حضرت باقر العلوم علیه السلام در جواب فرمود:

علمه الذی یاخذ عن یاءخذہ ⁽⁵²⁾

خداوند هیچ خوردنی و آشامیدنی را حلال نکرده است مگر آنکه نفع و صلاح بشر در آن بوده و هیچیک را حرام نکرده است مگر آنکه مایه زیان و فساد باشد.

پدر، مادر، در صورتیکه به سعادت و خوشبختی من فرزندت می اندیشی از کل خوردنیها و آشامیدنیهای حرام و مشتبه پرهیز کن و بدینوسیله به سلامت جسم و روح و روان خود و کودکان رحمت کن و به ما خدمت نما.

چرا بعضی از کودکان قسی القلب اند؟!

هر حلال و حرام در دین و شریعت فلسفه ای دارد، و بر معیار خیر و شر و یا بدیها و خوبیها، پی ریزی و استوار گشته است ، و مسلم است که مشروبات الکلی سکر آور و مست کننده است و زیان و ضررش را در جسم و روح و عقل می گذارد و حتی در ژن وجود او اثر منفی خود را می گذارد.

خوردن خون همین طور آثار سوء را در جسم و فکر و جان بشر و در نطفه و ژن انسان به وجود می آورد حضرت رضا علیه السلام در فلسفه حرمت شرب خود و اختلالاتی که در روح و روان آدمی بجای می گذارد چنین می فرماید:

...و یسیء الخلق و یورث القسوة للقلب و قلة الرأفة و الرحمة و لایؤمن ان

یقتل ولده و والده (54)

دائم الخمر مانند بت پرست است ، کسی که به طور مداوم و پی گیر، می گساری کند مبتلا به رعشه می شود، سجایای اخلاقی و مروتش نابود می گردد شراب چنان آدمی را در گناه ، جسور می نماید که ، از هر خونریزی و قتل و حتی زنا با محارم باک ندارد.

همه ناراحتی های ناشی از لرزش اندام ممکن است از شرابخواری نباشد ولی بعضی از لرزش ها و حرکت های دست و پا ممکن است در پیری و ناتوانی از اعتیاد به شرابخواری و میگساری باشد و یا ممکن است در ژن و نطفه آدم شرابخوار و الکلیست نقش لرزش اندام را برای کودک یه یادگار بگذارد.

انصاف دهید، آیا تنها بیماری رعشه و لرزش دست و پا یا تمامی بدن در

دوران پیری برای فلسفه حرمت مسکرات و مشروبات الکلی کافی نیست؟! !!!

آیا بیماری روحی و انهدام و نابودی مروت و عواطف انسانی و جسارت و تجاوز به محارم و خونریزی و زنا و صدها کار زشت و فواحش دیگر برای علت حرمت شراب کافی نیست؟!!!!

آری ، عوارض جسمانی و بیماریهایی که خوردن مسکرات به وجود می آورد، در لابراتوارها اندازه گیری و مشخص شده و خواهد شد، اما خوردن و آشامیدن غذاهای حرام و ایجاد بیماریهای روحی و صفات ناشایستی که به علت استفاده از محرمت برای انسان به وجود می آورد، در دستگاههای دقیق پزشکی و لابراتوارها قابل اندازه گیری نمی باشد، پس ای مادر! ای پدر! از استفاده الکل و شراب به خاطر حفظ و حرمت دین تاءمین سلامتی خود و فرزندانان جدا پرهیز نمائید. با این بیان که علم و دانش در صدد درمان دردهاست و فقه شیعی و احکام الهی به شدت بشریت را از کل محرمت بازداشته و از کارهای زشت و قبیح بدور نگه می دارد. و این خدمتی برای بشریت است .

انبیاء در صدد پیشگیری از بیماریها و ناملايمات جسمی و روحی و اخلاقی بشرند، علم جلوی جنایت را نمی گیرد، یعنی ، هرگاه قتلی و سرقتی و خیانت بر اموالی به وجود آید، دانش بشر در حل و فصل کارهای جزایی ، کیفری و حقوقی اقدام می کند، اما انبیاء تلاش می کنند مردم را از جنایات باز دارند و طرح و برنامه های دینی و اخلاقی و تربیتی بدهند که آدمی بیمار نشود و خیانت نکند و از بدیها سخت به دور باشد.

با این تحلیل نیاز بشر به دین و به وجود انبیای الهی و پیشوایان معصوم به مراتب بیشتر می گردد، علم و پیشرفتهای علمی و ایدئولوژی صنعتی و تکنیکی فقط جنبه چاره کننده و درمان کننده دارد نه باز دارنده . علم بررسی می کند که

، مثلا نوعی شیر خشک و غذای مصنوعی برای کودک مفید و خوب است ،
غذاهای غیر طبیعی و ساختگی و محصولی از کارخانجات تولیدی که صاحب
آن یهود باشند و یا مسیحی و یا ادیان و مذاهب دیگر، و یا اصلا لامذهب و هر
چیز دیگر... زیانهای جسمی هم ندارد و بسیار هم به ظاهر مفید است و بچه در
ظاهر امر، بیمار هم نمی گردد و از حلاوت و زیبایی خوبی نیز برخوردار می
شود و رشد جسمی خوبی هم پیدا می کند و مواد پروتئینی و دیگر مواد لازم را
هم دارد اما از آن طرف ممکن است ، این غذاها از شیر خشک و یا از شیر
حیوانی چون میمون ، خوک ، گراز و خرس و... گرفته شده باشد و آثار زشت
و خلق و خوی حیوانی و آثار درندگی و.... در بچه باقی بگذارد، این را چه کار
کنیم چگونه علاج نمائیم علم به آن کاری ندارد.

اما زمانی که جنایات ، قتل ، اختلاس ، احتکار، رشوه خواری ، کم فروشی ،
گران فروشی بیماریهای جدید و لاعلاج چون سرطان ، ایدز و... که موجب
اختلال و نزاع و آشوب و تشنج در جامعه بشری به وجود بیاورد و ممکن است
بازارهای جهانی را فلج گرداند و اقتصاد را در دنیا به هم بزند، و افکار ارواح
بشر را متلاطم گرداند که همه این جنایات معلول سوء تربیت اعمال بشر نادان و
تغذیه ناسالم و غیر حلال می باشد و همان غذاها و تربیتهای ناروائیست ، که
ساخته دست بشر است و برای آینده بشر و زندگی صحیح او هیچ تدبیری نشده
است آنگاه فریادش بلند می شود و لب به انتقاد و اعتراض می گشاید و
بکائنات فحش می دهد که این نوع بیماریها را انسان از کجا آورده و چرا در
جامعه فوق تمدن و با همه تکامل و ترقی باز مانده و احساس عجز می کند؟!
که زیان آن را از بیماریهای جسمی بزرگتر و مهمتر تلقی می کند، اینجاست که

بشر مترقی و پیشرفت کرده و با همه تکنیکها و لابراتوارها حیران می ماند و نمی فهمند چه کنند و چه چاره ای بیندیشند!

به عنوان مثال ، دانش روز خوب تشخیص داده که بیماری ایدز مثلا از همجنس بازی ها و بیماری سوزاک و سفلیس از زنا و آمیزش و مقاربت های حرام و نامشروع و آلودگی ها و ناپاکی ها و انواع آلودگیهای دیگر به وجود می آید که منشاء این مفسد را اسلام حرام و ممنوع معرفی کرده است .

متأسفانه دانشمندان با علم و اطلاع و انواع بیماری های آمیزشی ، بیشتر آلوده می گردند و به مفسد اخلاقی و گناهان زیادتری دامن می زنند و هیچ توجهی به عواقب بعدی آن ندارند.

عوامل زیبایی یا زشتی کودک؟!

با توجه به روایات اسلامی و نظریات پزشکان و پیشرفت علوم و تکنیک امروزه ثابت شده که غذا نقش مهمی در زشتی و هم در زیبایی کودک دارد. در این مورد به چند حدیث از ائمه علیهم السلام توجه می نماییم :

الصادق علیه السلام نظر الی غلام جمیل و قال : ینبغی ان یکون ابو هذا اکل سفر جلا
لیلة الجماع (56).

میوه (به) را به زنان باردار بخورانید، اطفال شما زیبا می شوند. با این دستورالعمل معلوم می گردد که زیباییها و زشتیهای کودک می تواند به دستور پدر و مادر باشد.

زیبائیا و زشتیهای کودک از کیست؟!

بوعلی سینا حکیم بزرگوار، زیبائیا و زشتیا و هرگونه نواقص خلقت را به والدین نسبت می دهد و در کتاب (قانون) چنین می گوید:

1- یکی از عوامل تکوین قوه ای است که از همان آغاز، در (منی) موجود است که شکل دادن و تکامل جنینی به عهده آن است ، این قوه در کار خود کوتاه آمده است .

2- نقص و بدترکیبی ممکن است به علتی در موقع جدا شدن از رحم پیدا شده باشد.

3- شاید قنطاق کردن و به دست گرفتن طفل علت بد ترکیبی باشد.

4- گاهی عامل بدترکیبی و بد شکلی ، خارجی است مانند افتادن و ضربه خوردن .

5- ممکن است طفل قبل از سخت شدن و نیرو یافتن اندام ، حرکتیایی کرده است که موجب کج و کولکی بدن شده است .

6- بیماریهایی مانند جذام ، سل ، تشنج ، سست اندامی و تمدد و جابه جایی اعضاء.

7- فریبهی مفرط و یا لاغری بیش از اندازه .

8- ممکن است علت بد شکلی ، ورمها و شاید هم هنگام وضع (حمل) باشد.

9- بد شکلی گاهی بر اثر زخم و قرحه ههایی است که ممکن است اثر بد

بجا گذاشته باشد.⁽⁵⁸⁾

مقصد زیبا دلیل پاکزادگی و زیبائی است .

جمال و زیبایی مقصد یعنی همسر جمیله و زیبا، شما را به پاکی و آراستگی
مولد و فرزند زیبا دلالت و هدایت می نماید بلی زیبایی خواست هر انسان است
و فطره هر انسانی خواهان آن می باشد.

ان الله جمیل و یحب الجمال ،

خداوند مظهر تام و تمام زیبایی و جمال است و زیبایی را نیز دوست می
دارد.

همسر زیبای شما مادر فرزندان زیبای آینده شما خواهد بود، زیبایی او منتقل
به فرزند شما خواهد شد. همین طور زیباییهای چشم بادامی و ابروی کمانی و
پیوسته و بینی قلمی و متناسب و لبهای یاقوتی و قشنگ و صورت و گونه های
سرخ و... به فرزند انتقال می یابد، بنابراین ، اگر بخواهید فرزندان زیبا و خوش
قد و قامت و شایسته داشته باشید در کنار دیانت و تقوا به جمال و زیباییهای
خدا داده همسران که مادر یا پدر فرزندان آینده شما هستند، توجه بیشتری
داشته باشید.

ناگفته نماند که به ندرت از والدین بدقیافه و کریه و سیاه پوست و ممکن
است فرزندان زیبا و صاحب جمال و خوش قد و قامت به وجود آیند، که آن
نیز از تبحر و تخصص این والدین است ، چرا که با غذا و انتفاع از میوه هایی
چون گلابی ، به ، سیب و بعضی گیاهان داروئی می توان در اوقات مضاجعت ،
و همبستری به ویژه دوران حمل ، و رضاع و دوران طفولیت ، زشتیهای وراثتی
از والدین را به زیبایی تبدیل نمود. بنابراین ، زن و مرد نازیبا و بدقیافه و بد قد
و قامت از داشتن فرزندان زیبا نباید تا امید باشند، به علت اینکه آنها می توانند
با علل و عوامل خارجی و با تغذیه خوب و مناسب ، به فرزندان زیبا و نمکین
دست بیابند.

پس علل و عوامل زشتی و نازیبایی کودک را باید به پای پدر و مادر گذاشت چون غالباً هرگونه نقص عضو و معایبی را که کودک از مادر هنگام تولد به همراه می آورد، از یکی یا از هر دو (پدر و مادر) می باشد، چرا که ، در حین همبستری در حال مستی ، ترس و تشویش و یا کامگیریهای نامشروع که تواءم با وحشت و دلهره است ، در نطفه تاءثیر ناهنجاری می گذارد. تمام این عوامل و واکنشها در کودک مظلوم که چنین والدین ستمکار با چنان حالاتی تکون یافته و به دنیا می آید، موجب می شود که کودک با نواقص جسمی و روحی متولد شود و بزرگ گردد و به یک عضو فاسد و عاطل و باطل در جامعه تبدیل شود. همچنین زشتیها و نابسامانیهای جسمی و زننده و قبیح کودک ، اثر وراثت یا سوء تغذیه مادر و یا بیماریهای تالاسمی و یا ازدواج فامیلی والدین است ، که برای تمامی عمر، کودک را علیل و بیمار و ناقص نموده و طفل را در نزد دوستان و همکلاسیها و همکار و همسر، شرمسار و متاءثر می نماید. به ویژه در امر ازدواج گاهی به قدری عاجز می گردد که ، پست ترین کسی حاضر نیست با او ازدواج نماید.

بنابراین ، ثابت شده است که بالاخره ، زشتیها و زیباییها، اندامهای موزون و ناموزون ، سلامت و بیماری ها، از پدر و مادر نشاءت می گیرد، و از راه اسپرم و اوول به وسیله ژنها و کروموزومها به فرزندان منتقل می گردد و احیاناً عقده حقارت و خود کم بینی به وسیله نقص عضو و دیگر معایب در آنها پدید می آورد تا جایی که گاهی آنها را به بیماریهای روانی گرفتار می نماید افراد ناقص الخلقه ، یعنی ، افرادی که از کودکی معلول جسمی و یا عقلی و یا نقص عضو دارند، همواره این کمبودها در آنها موجب شده است که خود را در میان هموعان خویش زبون و خوار و ناتوان ببینند و احساس کنند مانند کودکی که

بر اثر فلج یک دست ، و یا یک پا، پیوسته در جمع کودکان دیگر نتوانند به طور
برابر همبازی شوند و یا در بازی آنان شرکت کنند.

معایب جسمی و روانی کودک؟! !!

کودکانی هستند که از ضعف مفرط و نقص عضو بدنی و روانی به شدت در عذابند نقص عضو بدنی شامل خیلی چیزها می شود، از یک لکه کوچک در صورت یک دختر جوان و زیبا، یا کجی استخوان بینی ، یا کجی پا، و یا معایب ستون فقرات و یا شش انگشتی ، و یا کوری مادرزادی ، و یا منگل بودن کودک ، و یا زشتیها و ناهمواریهای قد و قامت و امثال آن انسان را از اول تا آخر عمر زیر فشار عقده حقارت ، عذاب روحی و شکنجه روانی می دهند، و حتی کار او گاهی به دیوانگی و بیماری روانی و حتی گاهی انتحار و خودکشی می انجامد⁽⁶⁰⁾

این زشتی و وقاحت شکل و قیافه و تیرگی و سیاهی را جاحظ از پدر و مادری زشت رو و بدقیافه از راه ژن و کروموزوم ها کسب کرده و به دست آورده است ، که یکی از والدین اگر با یک زیبا روی سفید چهره خوش قیافه ازدواج می کرد. ممکن بود بیست و پنج در صد تا پنجاه درصد، زشتیهای موروثی خود را در فرزند آینده اش تبدیل به سفیدی ، ملاحظت و زیبائی می کرد، چرا که ژن در انتقال اوصاف و اخلاق ، و نژاد سیاه و سفید نقش به سزائی را دارد بنابراین پدرم ، مادرم ، زشتیها و زیبائهایم وابسته به شما و موروثی شما والدین است .

عوارض پرخوری و پرخوابی

پرخوری و پرخوابی مادر آستن ، ممکن است انحطاط فکری و بیماریهای جسمی و تخریب روحیات خود و کودکش را فراهم سازد و علل و بیماریهای بیشتری آینده کودک او را تهدید نماید بنابراین والدین مسئول و متعهد توجه خاصی برای تغذیه خود در بهسازی جنین و فرزند خود داشته باشند و حتی برنامه و اندازه گیری منظمی در رابطه با خواب و خوراک مادر رعایت شود.

امام علی علیه السلام در فساد نفس و زیان و ضرر با پرخوری و پرخوابی چنین گوشزد می نماید:

کثرة الاکل و النوم تفسدان النفس و تجلبان المضرة (62)

کم خوری مانع از انواع بیماریهای جسم می گردد.

پیشرفتهای علمی و تکنیک عصر حاضر در تغذیه سالم موجبات سهولت و آسانی زندگی بشریت را فراهم ساخته راهها را کوتاه ، بیماران (صعب العلاج) را درمان ، و رفاهیات جوامع بشری را فراوان کرده است بلی از راه تکنیک و دانش پیشرفته از چوب جنگل بیش از دویست نوع غذا تهیه و به بازار مصرف ارائه شده است ولی با تبدیل طبیعیات و نعمتهای الهی به صنایع غذایی دنیای امروز، مصنوعی بودن اغذیه و با مخلوط به مواد شیمیائی ، نفتی و سایر افزودنیهای مجاز...!!! دیگر می باشد بیماریهای جنون گاوی در انگلیس که به علت سوء تغذیه و یا تغذیه غیر مجاز گاوها، و... موجب چنین بیماریهایی گشته و نابود کننده گاوها و بشریت شده است و... و مسموم کردن گوشت لاک پشتهای دریائی برای نجات و جلوگیری از انقراض نوع این حیوان از دست آنهائی که لاک پشت می خورند و به بد یا خوب بودن و حلال و حرام آن هیچ

توجهی ندارند. و... وابسته به صنایع غذایی دنیای تکنیک و عصر اتم و پیشرفته است. اما شما مسلمانان متعهد و مؤمن، شما خانواده های نجیب و اصیل، خود و فرزندان را از غذاهای بازار و خصوصا فرآورده های غذایی شرکت های غربی و شرقی چندان اعتماد نکنید و اصلا اطمینان ننمائید و این غذاهای آلوده را مورد استفاده خود و خانواده محترم خود قرار ندهید یعنی سعی کنید از غذاهای طبیعی و سالم و دور از مواد شیمیائی و مشکوک و مشتبه استفاده نمائید و از زندگی سالم و تغذیه حلال بهره مند گردید. غذای سالم مسلم است که موجبات سلامت جسم انسان را فراهم می سازد. امام علی علیه السلام فرمود:

بالصحة تستكمل اللذة⁽⁶⁴⁾

آیا ندانستی که من از سر سفره ای که در آن سبزی خوردنی نباشد غذا نمی خورم برو و سبزی بیاور.

خادم سبزی تهیه کرد و آورد و امام رضا علیه السلام غذا را با سبزی میل فرمود: در اهمیت این مسئله می دانید که امام علیه السلام اطلاع کافی از خواص و ویژگی های غذا و مفاد و آثار غذاها، دارد و علم و آگاهی دقیقتر حضرت امام به آثار و فوائد غذاها و سبزیجات خوردنی درسی برای ما پیروان آن حضرت می باشد.

اخطار به مادران باردار از داروهای شیمیایی

اجتناب از داروهای شیمیایی که خود ایجاد بیماریهای فراوان جنبی می نماید و توسط پزشکان هم گوشزد شده است . امام رضا علیه السلام در این باره می فرماید:

لیس من دواء الا وهویهیج داء

هیچ دوائی نیست ، مگر آن که مرض را (در آدمی) تهییج می نماید و بیماری و عارضه دیگری ایجاد می کند.

بنابراین ، با استفاده از انواع سبزیها و خوردنیها و آشامیدنیهای طبیعی و حلال می توان جلوگیری از خیلی از بیماریها و علل و عوارض آن را گرفت ، به ویژه مادرانی که در دوران حمل و بارداری هستند، باید از خوردن هر نوع دارو در حد امکان پرهیز نمایند تا از عوارض جنبی داروهای شیمیایی در روح و جسم خود و مخصوصا فرزندی که در رحم دارند در امان بمانند.

خطابم به تو ای پدر، ای مادر، با استفاده از مواهب طبیعت نعمتهای الهی و ماءکولات و مشروبات سالم و بی نقص و عیب و حلال و پاکیزه نسبت به سلامت جسم و روح خود خدمت نمائید و در حفظ الصحه و بهداشت جسم و روح خود بکوشید تا من ، پسر یا دختر شما نیز از سلامت روح و جسم سالم شما والدین بهره مند و برخوردار باشیم .

نامگذاری کودک

برای کودکان نام خوب انتخاب نمائید:

هر موجودی در عالم هستی ، نامی و نشانی دارد. برای هر چیزی از قبیل گیاهان حیوانات و جمادات ، و.... نامی و اسمی که مشخص آن از دیگری باشد ضرورت دارد انسان که اشرف مخلوقات و موجودی عاقل و ناطق و متشخص است و همه موجودات جهان هستی برای ادامه حیات و زندگی او آفریده شده اند، به این نام و نشان نیازمندتر و سزاوارتر است شایسته است که برای این موجود برتر، نامی برتر از سایر موجودات انتخاب شود که در فراخور حال و شرافت و کرامت انسانی او باشد پیامبر بزرگ اسلام در انتخاب نام نیکو برای کودک به حضرت علی عَلِيٍّ چنین فرمود:

حق الولد علی والده ان یحسن اسمه و ادبه⁽⁶⁶⁾

از این حدیث شریف چنین برمی آید که اسلام مسئله نام و شغل را فوق العاده اهمیت می دهد.

پیامبر فرمود: نام نیکو برایش انتخاب کن و به درستی ادبش نما و به کار خوب و مناسب بگمارش .

والدینم ، این حق بزرگ من بر شما است که مرا به نام نیکو و شایسته که در خور شائن و مقام انسانی من است برای من انتخاب نمائید و برای من شغلی و هنری مناسب و پاک و حلال اختیار و انتخاب کنید.

نام نیکو گرامی ترین عطیه والدین به فرزند است

اگر عطیه و هدیه شایسته ، که برای یک عمر به فرزندان می بخشید بهتر است نام نیکو و شایسته برای او انتخاب نمائید. پیامبر بزرگ اسلام در نامگذاری فرزندان ، می فرماید:

ان اول ما ينحل احدكم ولده الاسم الحسن. (68)

عربها اهل جنگ و تهور بودند و بر دشمنان خود می تاختند، بدینوسیله دوست داشتند فرزندانشان را به نام حیوانات می نامیدند.

حضرت صادق علیه السلام در تاءکید و توصیه به شیعیان خویش در نامگذاری دخترانشان به اسامی حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید:

لفاطمة علیها السلام تسعة اسماء عند الله عزوجل ، فاطمة ، الصديقة ، المباركة ، الطاهرة ، الزكية ، الراضية ، المرضية ، المحدثه ، والزهراء علیها السلام .

برای حضرت فاطمه سیده نساء العالمین نزد خداوند نه اسم معروف می باشد. سزاوار است شیعیان و مسلمانان دختران عزیز و محترم خویش را به یکی از این اسماء بنامند و دختران خویش را به این نام گرامی بدارند.

نامهای تحقیرآمیز جاهلیت

عربها مردان جنگ و نبرد بودند، اسمهایی را روی فرزندان خود می گذاشتند تا وقت صدا زدن، در دل دشمن ایجاد هول و هراس نماید. با این که این اسامی در بین ایشان معمول بود، اما گاهی در بین خودشان مورد تحقیر و توهین قرار می گرفتند و با این اسمها همدیگر را توبیخ و سرزنش می نمودند.

نام یکی از رؤسای عشایر عرب جاریه بود، جاریه یک نوع مار و افعی است. این مرد بسیار قوی، صریح اللهجه و با شخصیت بود ولی نامش را جاریه گذاشته بودند. او و طرفداران و قبیله اش از حکومت ظالمانه معاویه ناراضی بودند و در دل نسبت به وی کینه و دشمنی داشتند. معاویه که بدبینی جاریه و طایفه او را احساس کرده بود، تصمیم گرفت روزی در محضر مردم به او توهین کند و نامش را وسیله تمسخر و تحقیر قرار دهد. فرصتی پیش آمد و جاریه با معاویه روبرو شد، معاویه به تمسخر گفت:

چقدر تو نزد قوم و قبیله ات پست و ناچیزی که اسم تو را جاریه مارگذاشته اند؟!

جاریه فوراً و بدون تأمل گفت:

ما کان اهونک علی قومک اذ سموک معاویه، وهی الانثی من الکلاب .

این معاویه: چقدر تو نزد قوم و قبیله ات پست و ناچیزی که اسم تو را معاویه: سگ ماده گذاشته اند!

معاویه که تصور نمی کرد، کسی جرات کند معنای اسمش را به میان آورد، سخت ناراحت شد و گفت: بی مادر! ساکت باش!

جاریه جواب داد: من مادر دارم که مرا زاییده است ، به خدا سوگند! دل‌هایی که بغض تو را در سینه خود می‌پروراند، در سینه‌های ماست و شمشیرهایی که با آنها با تو نبرد خواهیم کرد در دستهای ماست . تو قادر نیستی به ستم ما را هلاک کنی و نمی‌توانی به زور بر ما حکومت نمایی . تو در زمامداری بر ما عهد و پیمانی سپرده‌ای ما نیز طبق آن پیمان و عهد قول شنوایی داده‌ایم . اگر تو به پیمانت وفا کنی ، ما هم به اطاعت و فاداریم و اگر تخلف نمایی ، بدان ، که ، پشت سر ما گروه مردان نیرومند و شمشیرهای برنده است .

معاویه که سخت شکست خورده بود، گفت :

لا کثر الله فی الناس مثلك یا جاریه

خداوند مانند تو را در جامعه زیاد نکند ای جاریه !

در این حکایت به زشتی نام‌های این هر دو، معاویه و جاریه برخورد می‌

کنیم ، که موجب شرمساری و ناراحتی آنان گردید.

نامهای نفرت انگیز

در این داستان ، یکی دیگر از جاهائی که معاویه در رابطه با نامش شکست خورد و بیچاره شد، داستانش با شریک بن اعور، است که در زشتی نامگذاری بر او، موجب تنبه و عبرت برای همه است .

مردی به نام شریک بن اعور، سید و بزرگ قوم خود بود و وی در زمان معاویه زندگی می کرد و شکل بدی داشت و اسمش را شریک نامیدند کلمه شریک اسم خوبی برای انسان نیست ، پدرش را اعور، یعنی یک چشم می گفتند، در یکی از روزهایی که معاویه در اوج قدرت بود. شریک بن اعور به مجلس او آمد. معاویه از اسم نامطلوب وی و پدرش و نیز از شکل او بدش آمده بود از این فرصت استفاده کرده و او را به باد تحقیر و اهانت گرفت و گفت :

والله انک لشریک و لیس من شریک و انک ابن اعور، و الصحیح خیر من الاعور، و انک لدمیم والوسیم خیر من الدمیم ، فبم سودک قومک .
نام تو شریک است و برای خدا شریکی نیست ، تو پسر اعوری و سالم بهتر از اعور است ، صورت زشت و بدگلی داری ، خوشگل و زیبا بهتر از بدگل چرا قبیله ات تو را به سیادت و آقایی بر خود انتخاب کرده اند؟! شریک در جواب گفت : به خدا سوگند! تو معاویه هستی و معاویه سگی است که عوعو می کند و تو عوعو کردی نامت را معاویه گذاشته اند، تو فرزند حربی و سلم و صلح از حرب و جنگ بهتر است ، تو فرزند صخری و زمین هموار از سنگلاخ و صخر بهتر است با این همه زشتیها چگونه به مقام زمامداری نایل آمدی !؟

سخنان شریک بن اعور چنان معاویه را شکست داد و خشمگین کرد که
معاویه شریک را قسم داد که از مجلسش خارج شود.

در نامگذاری فرزند حرمت بزرگانتان را پاس دارید

نامگذاری فرزندان را به مؤمنان و بزرگان خانواده بسپارید و از آنها در انتخاب نام سبقت نگیرید آقا زید بن علی از پدرش نقل نموده که حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

لما ولدت فاطمة الحسن عليه السلام قالت لعلی سمه ، فقال ما كنت لاسبق باسمه رسول الله ⁽⁷¹⁾

فقر (مادی و معنوی) داخل آن خانه نمی شود که افراد آن به نام های محمد یا احمد و یا علی و یا حسن و یا حسین یا جعفر یا طالب و یا عبدالله و برای خانمها فاطمه و اسامی دیگر آن حضرت و یا اسامی مبارکه دیگر که از معانی و مفهومی خوبی برخوردار می باشد. انتخاب نمایند.

پدر! مادر! در انتخاب نام ما دخترانتان چرا از نامهای نه گانه فاطمه علیها السلام دخت گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و آله نامگذاری نمی کنید که گذشته از امتیازات موجود و معانی خوب ، سزاوارند مسلمانان جهت احیاء اسلام و رهبران معصومان اسمهای مبارک ایشان را برای اطفال خویش اختیار نمایند و از نامهای زشت و قبیح و بد معنی اجتناب کنند.

كان رسول الله يغير الاسماء القبيحة في الرجال و البلدان ⁽⁷³⁾

(راوی گفت) ما (شیعیان شما) به نامهای شما و پدران شما نامگذاری شده ایم (و فرزندان خویش را به اسمهای شما نام می گذاریم) آیا برای ما نفعی دارد؟
حضرت فرمود: آری ، و الله ! آیا دین غیر از حب و محبت است ، که خداوند از قول پیامبر می فرماید: اگر شما خدا را دوست می دارید، پس از من پیامبر پیروی کنید، خداوند شما را دوست خواهد داشت ، و شما را می آموزد و از گناهان شما می گذرد.

پس اگر پیامبر و آلش علیهم السلام را دوست میداریم ، نام فرزندان خویش را از نام آنان انتخاب کنیم و در پیروی از آنها عملاً مبادرت ورزیم .

از پیامبر اکرم است :

من ولد له اربعة اولاد ولم یسم احدهم باسمی فقد جفانی (75)

کودکان سقط شده خود را نامگذاری کنید، زیرا وقتی مردم در روز قیامت به اسمشان خوانده می شوند، کودکان سقط شده به پدرهای خود می چسبند و می گویند چرا ما را به چیزی نامگذاری نکردید؟!

در اسلام نامگذاری فوق العاده اهمیت دارد تا آنجا که فرزندان قبل از تولد نامگذاری می شدند و محسن فاطمه علیها السلام قبل از سقط، پیامبر خدا او را محسن نامیده بود. در پایان این فصل توصیه ما به شما اینست که از نامگذاری فرزندان عزیزتان به اسامی پیامبران و ائمه و اولیاء الله و اسمهای خوب و با معنای مبارک غفلت نورزید.

دوران رضاع و شیرخواری

مادر و دوران شیرخواری کودک

شیر تغذیه کودک در تربیت او نقش بنیادین دارد چون بنیاد یک بنا که اگر سست و کج و ضعیف باشد بقاء و دوام و استحکام آن خدشه دار می گردد. پس از اجرای وظایف سنگین دوران بارداری ، اینک فرزندی پاک و نوزادی شایسته پا به عرصه وجود نهاده و وظیفه مادر را سنگین تر و تعهد تربیتی و اخلاقی و حقوقی مادر را بیشتر و بزرگتر کرده است . تمام وظایف دوران بارداری به اضافه صیانت نفس از هواها و هوسها و بهداشت جسمی و روحی کودک و دهها مسئولیتهای تربیتی دیگر پس از زایمان بر دوش مادر سنگینی می کند.

اکنون قوانین و قواعد تربیتی اسلامی را در این باره مطرح می نمائیم تا ببینیم اسلام چه دستورالعملهایی در زمان رضاع و شیرخواری فرزند داده و وظایف مادر را در مورد این مسائل چگونه بررسی و مقرر نموده است .

قرآن شیر کامل را دو سال معین نمود

نیاز کودک از نظر تغذیه جسم و روح به دو سال شیر از مادر، یا دایه تعیین نموده است و بر این معیار، هم روایات و احادیث اهل بیت دلالت دارد و هم اطبا گواهی می دهند و تأیید می کنند و قرآن دوران شیرخواری را دو سال تمام معین نموده و می فرماید:

والوالدات یرضعن اولادهن حولین کاملین...⁽⁷⁷⁾

ضرورت رضاع و شیر دادن به بچه 21 ماه است و اگر کمتر از 21 ماه شد، شیر و تغذیه کودک شیر خوار ناقص می ماند و اگر زنی بخواهد شیر دادن را تکمیل نماید، باید 24 ماه کامل به فرزندش شیر دهد.

امام حسین چگونه پرورش یافت ؟

امام حسین علیه السلام از انگشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تغذیه می کرد و مادری چون فاطمه سیده نسوان عالم به او شیر داد و او در حقیقت در آغوش اسلام و ایمان پرورش یافت . در زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه می خوانیم :

غذتك يد الرحمة و رضعت من ثدى الايمان و رویت فی حجر الاسلام (79)

طعام حرام بد طعامی است .

حضرت امام در مذمت طعام حرام و اجتناب از آن ما را دعوت می نماید و در مورد کسب حرام هم اخطار می کند:

بئس الكسب الحرام

بد کسبی است کسب حرام .

اگر در فلسفه و علت حرمت طعام و تغذیه و کسب حرام دقیق شویم ، گذشته از تاءثیر غذای حرام ، کسب حرام نیز ایجاد شقاوت و خشونت و بدبختی می نماید و در زاد و ولد و نسل آدمی هم تاءثیر بد خود را خواهد گذاشت و بنابراین بر والدین لازم است هم خود و مخصوصا فرزندان معصوم و بی گناه خویش را از کل غذاهای حرام و مشروبات حرام به دور نگهدارند تا به واکنش اعمال قبیح خویش از قبیل داشتن فرزندان بد و بی تربیت و آلوده گرفتار نگردند و فرزندان خویش را به انواع بیماریهای روحی و جسمی مبتلا نسازند .

صاحب و مالک شیر پدر است نه مادر

شیر دادن به کودک ، حقیقتی است که از نظر شرع برای مادر ثابت شده است لکن مالک و صاحب شیر کودک پدر اوست نه مادرش در تفسیر آیه شریفه می خوانیم :

و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف و...

منظور از کلمه مولود له پدر طفل است ، و منظور از زرق و کسوة خرجی و لباس است و خدای عزوجل این خرجی و نفقه را مقید به معروف کرد یعنی (این کار) متعارف از حال چنین شوهر و همسر است (کاری شایسته و نیک است) . این آیه شریفه می فهماند که فرزند از آن پدر است و برای او زائیده شده است چون رزق و روزی و لباس و هزینه زندگی مادر و کودک به عهده شوهر و پدر است ، همچنانکه نفقه همسر نیز به عهده شوهر است ، پس باید شیر را متعلق به شوهر دانست و ملک اوست و بی اذن او زن نمی تواند شیرش را از کودک شوهرش بازگیرد مگر در بین ایشان تراضی و توافق به وجود آید و همچنین زن نمی تواند با عدم رضایت شوهر به بچه غیر، شیر بدهد یعنی مالک شیر شوهر است ، نه زن مالک شیر خود باشد.

فرزند از نظر تکوین و تشریح به چه کسی تعلق دارد؟

از نظر تکوینی خالق هر مولودی خداست ، ولی فرزند به والدین ، یعنی هم به پدر و هم به مادر، تعلق دارد. اما از نظر تشریح فرزند متعلق به پدر است ، به دو دلیل - دلیل اول

قرآن فرزند را متعلق به پدر دانسته و می فرماید:

و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف

صاحب فرزند خوراک و پوشاک او را به شایستگی عهده دار است .

یعنی بر پدر است رزق و روزی و لباس زن و فرزندان .

و دلیل دوم : آیه شریفه

و علی الوارث مثل ذلك

وارث نیز مانند این را بر عهده دارد.

یعنی همان حقی که از پدر بر فرزندان است که باید رزق و روزی و لباس کودکان را تأمین نماید، اگر پدر مرد، همه مسئولیت پدر به عهده وارث او یعنی ناظر و مثل پسر بزرگ او خواهد بود.⁽⁸¹⁾

برای کودک از شیر مادر چیزی بهتر و برتر وجود ندارد.

پس برای تأمین سلامت روح و جسم ، و هماهنگی و موازنه اعضاء و جوارح بدن و هوش و ذکاوت و استعداد خلاق به اضافه زیبایی و طراوت کودک می باشد. شایسته است هیچ غذایی جز شیر مادر را به کودک ندهند، زیرا نه تنها نمی شود با غذاهای دیگر همه ویتامینهای لازم و نیازهای جسمی و روحی او را تأمین کرد، بلکه کمبودها و نارساییهای شیر خشک و یا غذای دیگر که هم از نظر سلامت و بهداشت و هم از نظر حلیت و پاکیزگی مشتبه و مشکوک است و غذاهای ساخت کارخانجات و شرکتهای غیر مسلمان و یا

مسلمان بی تعهد و مادیگرا و لو مملو از ویتامینهای مختلف هم باشد، مورد اعتماد نیست و نیازهای جسمی و روحی کودک را نیز نمی تواند کاملاً تاءمین کند و نیز غذاهای غیر شیر مادر موجب نقصان بعضی از ویتامینها و پروتئین ها می گردد و سایر مواد لازم بدن کودک را نمی تواند تاءمین کند. و بیماریهای جسمی و روحی کودک بعدها بروز و ظهور می نماید، شقاوت و بیرحمی او آشکار می گردد.

در دختران بی حیائیهها و بی عفتیهها و بد اخلاقیها از او ظاهر می شود. در نتیجه ، کودکان اغلب بیمار و ناتوان و ضعیف می مانند و به طور مداوم ، باید آنها را پیش طبیب برد تا شاید کودک سلامت خود را باز یابد. ناگفته نماند که ، غذای مادر شیرده هم باید سالم و مقوی و از غذاهای متنوع سرشار از ویتامینها و کلسیم ها و آهن و... باشد که تا همه نیازهای جسمی و روحی کودک تضمین گردد. پیامبر اکرم فرمود:

الرضاع یغیر الطباع

شیر طبیعت بچه را تغییر می دهد.

دانشمندان و متخصصین تغذیه دستور العمل تهیه غذای مادری که بچه شیر می دهد، در کتابهایشان آورده اند، مادران می توانند جهت تغذیه و بهداشت روح و جسم فرزندانیشان به این نوع کتابها مراجعه نمایند و از غذاهای مفید و مؤثر بهره گیرند. بنابراین ، اگر مادر به سلامت جسم و روح فرزند عزیزش علاقه مند است ، به طور حتم از شیر دادن به بچه اش مضایقه نکند. مولا علی علیه السلام در اهمیت تغذیه با شیر مادر می فرماید:

ما من لبن رضع به الصبی اعظم برکة علیه من لبن امه ⁽⁸³⁾ با این بیان ، حرمت و عظمت مادر و وظیفه شناس و متعهد روشن می شود، جا دارد که چنین زنان شایسته بر خود ببالند و بر خیلی از مردان وظیفه شناس تفاخر کنند.

سعدی علیه الرحمه می گوید:

زنانی که طاعت به رغبت برند
ز مردان ناپارسا بگذرند
تو را شرم ناید ز مردی خویش
که باشد زنان را قبول از تو پیش
زنان را به عذری معین که هست
ز طاعت بدارند گه گاه دست
تو بی عذر یک سونشینی چو زن
روای کنم ز زن ، لاف مردی مزن

زنان پرهیزگار آنهایی هستند که از دوران انتخاب همسر و دوران بارداری ،
و دوران رضاع و شیر به وظایف تربیتی و اخلاقی خویش کاملاً آگاه و به
دستور اسلام و اهل بیت علیهم السلام عمل می نمایند.

یکی از دو پستان مادر غذا، و دیگری آب است

از شگفتیهای آفرینش در خلقت انسان و غذایی که برای کودک قبل از ولادت، آفریدگار مهربان در پستان مادر ساخته و آفریده، این است که تغذیه با هر دو پستان مادر ساخته و آفریده، این است که تغذیه با هر دو پستان مادر در تاءمین نیازمندیهای جسمی کودک فوق العاده ضرورت دارد. امام صادق علیه السلام به ام اسحاق که به فرزندش شیر می داد، چنین فرمود:

یا ام اسحاق لا ترضعیه من ثدی واحد و ارضعیه من کلیمها یکون احدهما طعاما و اخر شرابا⁽⁸⁵⁾

زن مرضعه و شیرده اعم از اینکه مادر بچه باشد یا دایه ای که برای بچه انتخاب کرده اند باید از سجایای اخلاقی شایسته ای برخوردار باشد و از محرمات و اوصاف ناشایست به دور بماند، چون تمامی اوصاف شایسته و ناشایسته و آثار غذای حلال و حرام از روزنه پستان مادر به بچه منتقل می شود در حقیقت، کودک نقش دوم مادر است که به اوصاف مادر متصف می گردد.

اگر بدانید چرا هنگام دار زدن مجاهد صدر مشروطه، حاج شیخ فضل الله نوری - رحمة الله علیه - فرزندش در پای دار کف می زند و خوشحالی می کند؟! پاسخ!! به خاطر این است که این فرزند ماهها از پستان زن مرضعه ای شیر می نوشد که بعدا می فهمند آن زن ناصبیه⁽⁸⁷⁾

نظر کنید و ببینید، چه کسی فرزند شما را شیر می هد، چون فرزند شما با شیر آن زن پرورش یافته و بزرگ می شود.

چنانکه در گذشته یا در آور شدیم، فرزند نقش دوم مادر است، اوصاف و سجایای، اخلاقی، زیباییها و زشتیها مادر به فرزند منتقل می گردد، بنابراین،

پدرم اگر یک مادر مهربان ، زیبا، و نجیب و پاکدامن برای من اختیار کنی ، من
نیز از سجایای اخلاقی و از زیبائیهای مادرم زیبا و آراسته می گردم .

مرضعه زیبا، فرزند شما را زیبا می سازد

امام باقر علیه السلام در تاءثیر شیر و تغییر حالت کودک به وسیله شیر می فرماید:

عليكم بالرضاع من الظؤرة فان اللبن يعدى ⁽⁸⁹⁾

برای فرزندان مرضعه نیکو و زیبا و دارای شیر پاک انتخاب کن و از مرضعه

زشترو و بدترکیب اجتناب کن چون شیر سرایت کننده و مؤثر است .

تاءثیر شیر بر جسم و روان کودک

در تاءثیرپذیری شیر بر جسم و روح کودک ، چیزی است که همه دانشمندان به آن اعتراف دارند، به ویژه انبیاء و اولیاء گرامی خدا بر آن اعتماد کرده اند و علوم روز و دانش پیشرفته بشر آن را تاءیید نموده اند.

اینک به داستانی در مورد تاءثیر شیر بر جسم و هم بر روح توجه نمایید. ابوالمعالی امام الحرمین که از مفاخر اسلام به شمار می آید پس از مدتی اقامت در مکه و مدینه بنا به دعوت خواجه نظام الملک به نیشابور بازگشت ، در آن زمان آلب ارسلان سلجوقی سلطنت می کرد و خواجه نظام الملک دانشمند مشهور نیز به مقام صدارت و وزارت منصوب بود. خواجه نظام الملک برای ابوالمعالی امام الحرمین مدرسه نظامیه را ساخت و کرسی خطابه و تدریس را به ایشان واگذار کرد.

پدر ابوالمعالی ، شیخ ابو محمد عبدالله از فضلا و پرهیزکاران زمان خود بود از راه تجلید و تصحیف و نویسندگی و نسخه برداری کتب ، تاءمین زندگی می کرد و از دسترنج خود پولی حلال جمع نموده ، کنیزی را خریداری کرد. این کنیز پرهیزکار و خوشرفتار و دارای صفاتی پسندیده بود. وی پس از مدتی حامله شد، شیخ بعد از کسب اطلاع از بارداری همسرش بیشتر در قسمت حلال بودن خوراک خانواده خود مراقب می کرد. هنگامی که همسرش وضع حمل نمود، سفارش اکیدی کرد که مبادا به فرزندش از شیر زنهای دیگر بدهند، در نتیجه ، زحمات و کوششهای او بیهوده شود.

شیخ یک روز داخل اتاق شد، مادر بچه را در حال کسالت دید، و بچه هم در اثر گرسنگی به شدت گریه می کرد، زنی از همسایه برای عیادت آمده بود در

آنجا حاضر بود، برای ساکت و آرام نمودن بچه ، پستان خویش را در دهان بچه گذاشت ، بچه مقداری از شیر آن زن خورد و آرام گرفت . شیخ چون با خبر شد، بسیار متاثر گردید، بچه را گرفت و سر او را پایین نگه داشت و با دست خود شکم بچه را می مالید و با انگشت حلق بچه را باز کرد تا هر چه شیر خورده از دهانش بیرون بریزد. شیخ در آن موقع می گفت : مرگ بچه ام بر من آسانتر است از این که زنده بماند، در صورتی که طبیعت او آلوده به فساد و بیماری و سرشته با شیر مجهولی باشد.

ابوالمعالی می گوید: هنگام بحث و مناظره علمی گاهی یک نوع سستی و فتور و بیماری در من ایجاد می شد و این اثر همان بقیه شیر زن همسایه است که در بدنم باقی مانده است.⁽⁹¹⁾

شایسته است این دستورات عمل علمی و بهداشتی را هر زن مرضه ای از بوعلی سینا، این حکیم بزرگوار اطاعت نماید و آنرا نصب العین خود قرار دهد تا در تغذیه شیر به وظایف مادری خود به خوبی عمل نماید.

دوران خطیر طفولیت

دوران پس از شیر خواری

دوران پس از شیرخوارگی کودک ، دوران پرمسئولیتی است برای پدر و مادر، که کوچکترین غفلت و عدم توجه در تربیت و تغذیه جسمی و روحی کودک ، عوارض غیر قابل جبرانی به بار می آورد. در این سنین شالوده تربیتی دوران حمل و بارداری ریخته می شود. یعنی اگر مادر به او وعده های دروغ بدهد، دروغگو به بار می آید. کلمات زشت و قبیح بر زبانش بگذارد، یاد می گیرد، و وقاحت این کلمات بد و زشت نیز بعدها از کودک برداشته می شود. اگر در حضور پدر و مادر و اعضای خانواده و یا همبازیهای او فحش و ناسزا و تمسخر و حرفهای زشت رد و بدل شود، در روحیه او در این سنین تاءثیر منفی زیادی دارد، که ابعاد همان نوع فحاشی و ناسزا را نسبت به دیگران اعمال می نماید. خدا نکند که احساس کند، پدر و مادر یا دیگر اعضای خانواده چیزی را از جایی برداشته و دزدیده باشند یا به حقوق یکدیگر تعدی و تجاوز نمایند به جدی یا به شوخی کافیسست که از همان آوان کودکی ، در حد توانش ، دست به اعمال بدی بزند و کارهای زشت بیاموزد.

سؤال اینست که چه کسی از ابتدا کارهای زشت ، بدیها و جنایات و خیانت به کودک می آموزد، کودکی که هنوز چشمش جز به پدر، مادر، خواهران ، برادران ، و اعضای خانواده باز نشده چرا بعضی کارهای زشت از او سر می زند؟!

پاسخ اینست قهرا زشتیها را از بعضی از اعضاء خانواده آموخته است! آیا خانواده متعلق به پدر و مادر نیست؟ آیا همه اعضاء خانواده به رئیس خانواده و همسر او ارتباط ندارد؟

نتیجه اینکه کودک هه بد آموزی ها را از پدر و مادر دارد، کما آنکه همه محاسن و خوبیهایش را از ایشان دارد.

محیط خانواده به منزله یک مرکز آموزش و در حقیقت دانشگاهی است که کودک قبل از دبستان باید این دوره آموزشی را به خوبی طی کند.

کودک در دوران پرورش و آموزشی و قبل از رسیدن به مدرسه، صحنه منزل، آغوش پدر و مادر و اعضاء خانواده، برای او یک صحنه سینمایی است، یک مرکز آموزش است همچون آپارات عکاسی، تمامی صحنه های خوب و بد و خیر و شر و زشت زیبا را در ذهن خود، در کامپیوتر مغز خود عکسبرداری و ضبط می نماید و چون ضبط صوت همه اصوات و صداها را بد و خوب و حلال و حرام و همه کلمات خوب و بد و صواب و ناصواب را می شنود و در کامپیوتر مغز خود جا می دهد. و به وقت پاسخ می دهد و حرفش را می زند.

کودک و مشقتهای تعلیم و تربیت

دوران طفولیت کودک متحمل سختیها و ناملایمات شدیدی می شود لکن هر چه بیشتر با دشواریهای تربیتی و آموزشی مواجه باشد به درجات بالاتر و مقامات قابل توجه و بیشتری دست می یابد. و در سازندگی و رشد و تکامل او نقش بسزائی دارد.

امام علی علیه السلام می فرماید:

بالتعب الشديد تدرك الدرجات الرفيعة والراحة الدائمة (93).

بهتر آنست که طفل در کودکی با سختی و مشکلات اجتناب ناپذیر حیات که غرامت زندگی است روبرو شود تا در جوانی و بزرگسالی، بردبار و صبور باشد.

دوران کودکی و طفولیت را به سختی سپری نماید تا مقاومت و پایداری

دوران جوانی و پیری را تجربه کنید:

فرزند خرد را به مشقت بزرگ کن کس زحمت است هر که به راحت رسیده است

ورنه ز چشم دهر بفتد چه طفل و نک آن بی هنر پسر که تورا نور دیده است

پیوسته در نیاز و تقم باید آن پسر کورا پدر به ناز و نعم پروریده است آسان

کشد به ساحل مقصود رخت بخت آن ناخدا که سختی دریا کشیده است

به عهد و پیمان با کودکان و وفادار باشید

کودک شما نهایت اعتماد و اطمینان را به شما دارد، در وعده هائی که به او می دهید حتما عمل کنید، چرا که فرزندانان هیچ پشتوانه ای قوی تری از شما نمی شناسند اگر شما نسبت به آنها اعتماد نکنید اعتبار خود را ضایع می نمائید، اولین تربیت منفی یعنی روش بی اعتمادی را به او می آموزید و دیگر به شما اطمینان نخواهد کرد و هیچ اعتباری پیش ایشان نخواهید داشت .

پیامبر گرامی اسلام در هدایت و دستور روان تربیتی خویش می فرماید:

احبو الصبيان وارحموهم و اذا وعدتموهم شيئا ففوا فانهم لا يدرؤن الا انكم
ترزقونهم⁽⁹⁵⁾

حق کودک و فرزند صغیر نسبت به تو اینست که به او ترحم نمائی و از پذیرائی و نگهداری او از گرما و سرما و بیماریها مضایقه نمائی و در ثقافت و آموزش نظامی و پیشاهنگی و آمادگی او برای مبارزه با دشمن ، کوتاهی نکنی و در تعلیم و تربیت اسلامی و دینی او بکوش و از خطاها و لغزشهای او بگذری و اشتباهات و بدیهایش را بیوشانی و در کار تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش با او به رفق و مدارا عمل کنی .

جوان و ارزشهای نظامی و بسیجی

در اسلام شنا و تیراندازی و مسابقات برای جوانان بسیار تاءکید شده است ، و برای زنان کارهای هنری و انواع بافندگی و ریسندگی و کارهای دستی که در محیط منزل و در درون خانه و کارخانجات محصور انجام پذیرد توصیه شده است و تعلیم و تعلم سوره مبارکه نور و مفاهیم آن از جمله کارهائی است که برای بانوان توصیه و تاءکید نموده اند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: علموا ابناءکم السباحة و الرمی و المرئة المغزل و سورة

النور (97)

پیامبر خاتم ﷺ فرمود:

من کان عنده صبی فلیتصاب له .

آموزش ولایت و محبت به اهل بیت علیه السلام

حساسترین فراز مسئولیت والدین مخصوصا مادر اینست که درس محبت و دوستی اهل بیت پیامبر ﷺ به فرزندان شان بیاموزند تا او مهر و محبت امامان معصوم ﷺ را در قلب کوچک او جای دهند و این تعهد و مسئولیت برای والدین مسئولیتی بس بزرگ و خطیر است .

از زبان علی امیر مؤمنان ائمه اهل بیت پیامبر ﷺ را بشناسیم ، و فرزندانمان را به محبت ایشان تاءکید و توصیه نمائیم .

فرمود: لا یقاس بآل محمد ﷺ من هذه الامة احد و لایسوی بهم من جرت نعمتهم علیه ابدًا و....

هیچیک از این امت با آل محمد ﷺ طرف مقایسه نبوده و کسانی که همیشه از نعمت و بخشش ایشان بهره مندند با آنان برابر نیستند.

آل محمد ﷺ اساس و پایه دین و ستون ایمان و یقین هستند و آل محمد ﷺ که دور افتادگان از راه حق به آنان رجوع کرده و واماندگان به ایشان ملحق می شوند و خصائص امامت و آنان جمع و حق ایشان است و بس (100)

بنابراین ، والدین به ویژه مادر در تربیت فرزند باید از خواب و آرامش خویش بکاهد و با کارشناسی خاص مادری خود، به زیربنای تربیتی و سازندگی کودک خویش توجه بیشتری نماید، همواره با پرورش جسمی ، پرورش روح و روان و اخلاق او را نیز به طور جدی به عهده داشته باشد. مادر در تربیت روانی کودک درس شهامت ، شجاعت ، سخاوت ، بلند همتی و سیادت و بزرگواری و کرامت نفس را باید به او بیاموزد و سعی کند جبن و ترس و هر چیزی که خود از آن می ترسد و یا ترس آور است ، از بچه دور

کند، مثلا، ترس از سوسک ، مارمولک ، گربه و هر چیز دیگر را از ذهن کودک بزدايد و فرزندش را ترسو به بار نياورد، بلکه از همان دوران کودکی با تدبیر و تجربه شایسته خود درس شجاعت و شهامت و صبر و مقاومت و تحمل بر شدائد زندگی به کودک خویش القا کند و ورزش و شنا و تیراندازی و آموزش هنر به او در حد قدرت و امکانش بیاموزد و نحوه حفظ و قرائت قرآن و حدیث و دانش دین و مذهب و علوم دیگر به او تعلیم دهد و حافظه و استعداد او را درخشان و شکوفا نماید و از هرگونه سعی و تلاش در شکوفا ساختن استعداد فرزندش مضایقه ننماید.

درس سخاوت و سیادت به کودکان به دهید

سخاوت و بخشش ، صفت پسندیده ای است که مادر به خوبی می تواند در دستور کار تربیتی خود برای فرزندش قرار دهد، مثلا، به او دستور دهد از خوردنی و اسباب بازی یا میوه و هر چیز مناسبی که در دست دارد به همبازیها و همکلاسیها و دیگران بدهد تا با این نوع بذل و بخشش ، خصلت سخاوت به خود بگیرد و حس تعاون و کمک به همنوعان را در روحیه او پرورش دهد و زنده کند و از هر چه بخل و فرومایگی است او را حفظ نماید و اخلاق سیادت و بزرگواری و احراز شخصیت ، متانت و مناعت طبع ، صداقت و امانتداری و وفای به عهد و هر صفت برجسته اخلاقی و اسلامی و انسانی را برای کودک درسی الزامی قرار دهد. که پدر و مادر در سنین طفولیت این درسها را در خانه و محیط گرم خانواده به کودک بیاموزند و از دنائت و پستی طبع و اوصاف زشت و کارهای خلاف اخلاق و اظهار هرگونه خشونت و پرخاشگری ، دروغ ، افتراء و هر صفت زشت و بد و حرام را مادر باید از روح و روان کودکان پاک و دور سازد و نیز صحنه های زننده و وقیحانه از کارهای زشت مثل فحاشی و دعوا با همسایه و همخانه و یا پرخاشگری را با همسر و اعضای خانواده یا دیگران در حضور کودک خویش انجام ندهند و هر چیز بد را از چشم و گوش و دید و شنید فرزندان دور سازند و محیط زندگی ایشان و محور وجود فرزندان از حرکات زشت ، پاک نمایند و روحیه پاک و اصالت و نجابت ، فطرت پاک اسلامی و توحیدی وی را همچنان تقویت نمایند.

بلی اولین معلم کودک مادر است ، که او بهتر از هر کس می تواند در محیط سالم منزل کودکانش را به نحو احسن تربیت کند و قدرت دارد کارهای زشت و

بی فضیلتی را از محیط زیست بچه ها دور سازد. بلی! با اجرای این
دستورالعمل اسلامی و تربیتی است که این مادر بهشتی و وظیفه شناس بهشت
را برای کودکانش در زیر قدمهای خود دارد.

نوابغ عالم چگونه پروریده شده اند؟

مسائل و قصص و مطالبی که نمایانگر تربیت صحیح و فوق العاده آموزش و پرورش منظم و فوق برنامه است . و سهم تربیتی والدین و حسن امر خیر ایشان را تبلور خاص می بخشد.

و اینک به عنوان حسن ختام در این کتاب حالات کودکی حضرت بقیة الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به نظر شما خوانندگان محترم می رسد.

امام زمان از کودکی صاحب امر دنیا و آخرت بود

بی تردید یکی از نوابغ بزرگ عالم حضرت مهدی امام عصر ارواحنا فداه می باشد وجود مبارک حضرتش از بدو تکون و انعقاد نفس نفیسه تا در دورانی که در حمل والده ماجده اش حضرت نرجس خاتون علیها السلام بسر می برد، و تا هنگام تولد، صاحب معجزات و کرامات خاص بود آن بزرگوار الی حال ، مورد عنایت خاصه خداوند است .

این صاحب شما است پس از من

روایت شده است که جماعتی از یاران حضرت عسکری علیه السلام از ابوغانم خادم روایت کرده اند که گفت: امام عسکری علیه السلام را فرزندی به دنیا آمد که وی را محمد نامیدند، آن حضرت فرزندشان را در روز سوم به یاران خویش نمایاندند و فرمودند.

این صاحب شما پس از من است، و خلیفه من بر شما، او همان قائمی است که به انتظار او گردن می کشند و هنگامی که زمین از جور و ظلم آکنده گردد و ظهور کرده آنرا از عدل و داد پر خواهد ساخت. ⁽¹⁰²⁾ من بنده خدا هستم.

سؤال شد روزها چه کار می کنید: در پاسخ می گوید: **وان اتلو القرآن** ⁽¹⁰⁴⁾ برادران یوسف به پدر گفتند، فردا یوسف را با ما به خارج شهر بفرست تا با ما غذای کافی بخورد و تفریح کند. ⁽¹⁰⁶⁾

در اثر تحمل رنج و تعب و سختیهای دشوار در تحصیل علم و دانش، درجات بلند و مقامات رفیع به دست می آید و آسایش جاوید نصیب می گردد. بلی در راه کسب علم و دانش تعلیم و تعلم که نوعی عبادت است مقامات رفیع و آسایش و گشایش و فراخی آینده فرد و جامعه تضمین شده و سعادت و خوشبختی در پی دارد، در بیانی دیگر حضرت علی علیه السلام فرمود: **بالعلم یتقیم المعوج** به علم راست می گردد کجیها و ناهمواریها.

وجود نوابغ مشهور علم و عمل و محققان و مصنفان علوم و فنون در این مکتب گویای همین واقعیت است، که بیش از هر یک از ادیان آسمانی و مکاتب عالم اسلام علماء و دانشمندان و محققان معروف و مشهور را در خود

جای داده و پرورده است . بلی همزمان با کتابت این اوراق ، خبر موفقیت آمیز آزمایش موشک شهاب 3 ساخت ایران با برد 1300 کیلومتر اعجاب و شگفت ملتها و همه دولتها، خاصه استکبار جهانی را برانگیخته است و همینطور المپیادها از دانش آموزان نمونه و ممتاز کشور ما و ساخت سلاحهای مدرن روز، از تعب و تلاش و همت نوابغ پرتلاش و جوانان سلحشور کشور ما را نشان می دهد. که این افتخار را برای ملت و مملکت ما، آفریداند و کشور و ملت ما را بیمه نموده و امنیت کشور امام زمان علیه السلام را در حال و آینده تضمین می نماید. بلی با تحمل رنج و تعب و تلاش مجدانه این عزیزان ، دشمن قسم خورده از آمریکا و اسرائیل و دشمنان داخلی ما را مایوس نموده و آرزوهای غلبه دشمن بر ملت ما را در گورستان تاریخ دفن خواهد نمود.

پدرم ، حرمت مادرم که پسری برای تو آورده پاس دار

پاسداری از حقوق مادر، که پسری زائیده ، و حقوقی برتر و بهتر از مادری که دختر آورده . پیامبر بزرگوار اسلام فرمود: **حق الولد علی والده اذا کان ذکرا ان یتفراه و یتحسن اسمه و یعلمه کتاب الله و یطهره** (108)

رسول اکرم ﷺ فرموده فرزند آدمی در هفت سال اول زندگی ، آقا و سید و بزرگواری پدر و مادر است ، در هفت سال دوم بنده فرمانبردار و مطیع پدر و مادر است و هفت سال سوم وزیر پدر و مشاور خانواده است .

دوران کودکی ، نوجوانی و جوانی در سه هفت سال تقسیم می گردد. سیادت و آقائی کودک نه به آن معنا است که کودک دارای آقائی و بزرگواری همچون یک پدر یا رئیس خانواده ، بلکه کودک همچنان بزرگوار است که هیچ تکلیفی بر او بار نیست ، و گناهی بر او مترتب نمی شود، هرکاری بکند آزاد است کتک ندارد، توبیخ نمی کنند چنانکه او در این سنین تحت تحسین و ترحیب قرار می گیرد، ولی تحت تعقیب قرار نمی گیرد و عقوبت ندارد.

وقتی گفته می شود کودک عبد است نه به معنای این است که مکلف به عبادت و اطاعت خدا شده بلکه به معنای اطاعت و فرمانبری از والدین . و خاصه از مادر و پدر است ، چرا که در هفت ساله دوم به حد تمییز و تشخیص رسیده و می تواند صحیح و سالم فرمانبری کند.

و وزیر است ، قدرت تشخیص پیدا کرده ، گذشته از اینکه هر کاری و هر فرمان را صحیح و درست انجام می دهد به عنوان مشاور و مذاکره کننده با والدین و مخصوصا عضد و بازو و پشتوانه پدر است .

چرا این خصوصیات در سه مقطع سنی برای دختران ذکر نشده است؟! تمامی این سه دوره زندگی دختران با پسران تفاوت دارند. در هفت سال اول دختر ریحانه است. بیش از پسر بچه محبوبیت دارد، نوع بازی، اسباب بازی و کیفیت کارهای او با پسر بچه تفاوت فاحش دارد، و در دوره دوم پسر در کار و عمل فرمانبر است دختر قدرت کارگری و فرمانبری ندارد و کارهای سخت و خشن نمی تواند انجام دهد. پسر در هفت ساله سوم عاقل و قابل مشاوره و وزیر است اما دختر غالباً به خانه بخت رفته و همسر دارد و با زن از نظر عقلی، مذاکره و مشاوره نهی شده ایاکم و مشاوره النساء از دستورات اسلامی است که از مشورت با زنان پرهیز نمائید بنابراین خصوصیات پسر با دختر تفاوت دارد.

با نفس مجاهده نمائید تا به آینده درخشان راه یابید

کودکان در اوان فهم و ادراک خویش اگر راه مبارزه و مجاهده با نفس در پیش گیرند به فضائل انسانی و تکامل و ترقی راه خواهند یافت .

از بیان مولی الموحدین علی عَلَيْهِ السَّلَام می خوانیم من لم یجهد نفسه فی صغره لم ینبل فی کبره ⁽¹¹⁰⁾

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمود: بستر خواب پسر بچه با پسر بچه و پسر بچه را با دختر بچه و دختر بچه با دختر بچه در سن ده سالگی باید از هم جدا شود.

سؤال - چرا از ده سالگی بستر خواب کودکان از هم جدا گردد و برادر با برادر و خواهر با خواهر از هم جدا بخوابند؟! دلالتی وجود دارد از جمله به علت اینکه هورمونهای جنسی هر دو خاصه دختر زودتر از پسر بیدار می گردد و علائم آن برآمدگیهای سینه دختران است و در اثر فعالیت هورمونها در این سن حساسیت مخصوصی در جمیع اعضاء و جوارح بدن دختر مخصوصا در سینه ها به وجود می آید که خوابیدن دو دختر یا دو خواهر در زیر یک لحاف ایجاد تزاخم می نماید و با اصطکاک مواضع حساس بدن با یکدیگر هورمونها بیدار و تحریک می گردد و ممکن است در راه پاسخ به غرائز جنسی به فساد و تباهی اعمال گرفتار شوند. همینطور دو برادر و یا دو پسر بچه به علت امکان نعوض آلت مردی و اصطکاک باهم باید از همدیگر جدا بخوابند و در یک بستر و در زیر یک رو انداز نزدیک هم نخوابند و موجبات تحریک شهوت یکدیگر نشوند.

در پسران نیز از ده سالگی صدای آنان کلفت می گردد.

سؤال دیگر اینکه چرا در سنین ده سالگی دختر بالغه است و پسر غیر بالغ؟! در پاسخ از نظر تکوین و اسرار خلقت خداوند چنین مقرر کرد که دختر زودتر به بلوغ می رسد و هورمونهای بدن دختر، زودتر از پسر بیدار و شکوفا می گردد، و اگر در همین سنین ده سالگی ریگل شود و حیض ببیند می تواند فرزند بیاورد، ولی پسر دیرتر به بلوغ می رسد، و پس از احراز سن 16 سالگی و پس از احتلام قدرت بر تولید مثل دارد. و دیگر اینکه بلوغ دختر در ارضاع غرائز جنسی مردان و بالاخره هر دو در تکثیر نسل و تسکین و آرامش افراد جامعه اعم از مردان و زنان و آرامش خاطر هر دو جنس مؤثر است و آیه شریفه قرآن گویای این واقعیت است **و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودة و رحمة ...** از آیات و نشانه های قدرت ما برای شما این است که از نفس شما برای شما جفت و زوج آفریدیم تا در بین شما سکونت خاطر به وجود آوریم و در بین شما مهر و مودت ایجاد کردیم .

پدرم بر تعلیم و تربیت و ازدواجم کمک کن !

والدین محترم نباید پس از دوران کودکی فرزند را رها کرده و سرنوشت آینده اش را نادیده انگارند، بلکه تعلیم و تربیت و شغل و کار مناسب خاصه در ازدواج جوان او را کمک نمایند. دختر و پسر در سنین ازدواج و رشد نیاز به ارشاد و راهنمایی و کمک در انتخاب همسر و مسئله ازدواج را دارند در این امور مهم ازدواج چه کسی احق بر والدین در کمکهای لازم برای پسران و دختران است و ایشان این حق را از والدین مخصوصا از پدر دارند مرشد و راهنمای بشریت حضرت ختمی مرتبت از وظائف پدر نسبت به فرزند چنین می فرماید: **من حق الولد علی والده ثلاثة یحسن اسمه و یعلمه الکتابه ویزوجه اذا بلغ** (112).

دوست ندارم جوانی را از شما مسلمانان ببینم مگر آنکه روز او به یکی از دو حالت آغاز شود. یا تحصیلکرده و عالم باشد یا دانشجو و متعلم ، اگر هیچیک از این دو حالت در وی نباشد و با نادانی به سر برد در ادای وظیفه کوتاهی کرده است و مسامحه در ادای وظیفه تزییع حق جوانی است و تزییع و تضعیف نیروی جوانی به گناهکاری (و فساد) منجر می شود و اگر مرتکب گناه شود به خداوندی که بیغمبرش را به حق به نبوت فرستاده قسم است که او در عذاب الهی مسکن خواهد گزید.

جوان ، در راه پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی

جوش و خروش هر جوانی در راه به دست آوردن علوم و ازدیاد دانش و فرهنگ جامعه روز و عصر زندگی خویش است ، و این خواسته جامعه ای را می طلبد که در آن فقط عالم و متعلم باشد، و در جمیع ابعاد جز این تفکری صحیح و معقول و مطلوب نیست . و اگر غیر این باشد همچون خار و خاشاکهای روی سیلاب می باشند.

حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: **انما الناس عالم ومتعلم و ما سواهما فهمج** ⁽¹¹⁴⁾ مردم سه گروهند، اول طبقه عالم و تحصیلکرده ، دوم گروه محصل و دانش پژوهان و سوم در جمیع ابعاد، جز این ، تفکری صحیح و شغل و کاری معقول و مطلوب نیست .

پژوهشگران علوم امروز، مشاهیر و اعلام فردایند

حضرت امام زین العابدین علیه السلام به طالبان علم و دانش نظر می افکند، آنان را به حضور می طلبید و به ایشان چنین می گفت :

مرحبا بکم انتم ودائع العلم و یوشک اذا انتم صغار قوم ان تکونوا کبار
آخرین (116)

علی علیه السلام فرمود: عذر نادانی جوان پذیرفته و مقبول است و دانش او در جوانی محدود و محصور می باشد.

قوانین و آئین نامه های آموزشی بر همین معیار تصویب شده است ، که تا سیکل و یا سوم راهنمائی دروس مختلف را دانش آموز باید بیاموزند. ولی از سیکل به بالا، رشته تخصصی انتخاب می شود. که دیگر رشته مثلا شیمی از فیزیک ، و ریاضی از تجربه و دیگر رشته ها هیچ اطلاعی ندارند، چرا که یک نوجوان استعداد و کشش بیش از این ندارد و مغز عامه جوانان از اندیشیدن در محور همه علوم و تخصصها ظرفیت بیش از این ندارد، ولی قدرتمندی پاره ای از انسانها اعم از زن یا مرد فوق العاده است که چندین رشته تخصص و علوم را فرا می گیرند.

از فرصتهای طلائی که همانا دوران جوانی و عنفوان شباب است حدود هیجده تا بیست سالگی باید اکثریت بهره وری را نمود، در این دوره از جوانی است که پایه و اساس یک زندگی درخشان آینده پی ریزی می گردد و سعادت و خوشبختی جوان با اعضای خانواده اش تضمین می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ان لله ملکا ینزل فی کل لیلۃ فینادی یا ابناء العشرین جدوا و اجتهدوا (118)

حضرت فرمود: این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافل است که به هیجده سالگی رسیده اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی کنند.

سنین هیجده سالگی شاخص هشدار دهنده ای است که خاصه پسران را به ثمره شیرین یا تلخ حیات رسانده است . و کارنامه قبولی یا ردی زندگی آینده را به حد نصاب پیوسته و امضاء می نماید. یک برهه از زندگی سپری شده و آمپر حیات ، اعلان خطر کرده است . و از این پس توان رشد و ترقی کاسته می شود پس بکوشید تا به سن هیجده سالگی به کمال علمی ، عملی ، هنر ، و صنعت راه یابید که تا در این دوران از سنین عمر به حد نصاب رشد معنوی و مادی راه یابید.

جوان و مشکلات اقتصادی و اجتماعی روز

پیشرفت دانش و تکنیک ، کارها را آسان و راهها را نزدیک و مشکلات فرهنگی را حل کرده است ، ولی هزینه های زندگی را هم سنگینی تر، و مشکل علم و دانش آموزی و بالاخره کار و مسکن را دشوارتر نموده است .

حضرت مولی الموحدين علی عليه السلام فرمود: **جهل الشباب معذور، و علمه**

محصور (120)

بهترین چیزها که شایسته است جوانان بیاموزند، چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد و بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی خود استفاده نمایند.

حدیث شریف **کونوا من ابناء الزمان** شاید از حضرت امیر عليه السلام باشد که آن بزرگوار در خطاب به رهروان مکتب و مذهب خویش می فرماید فرزند زمان خویش باشید. بعضی با تعبیرات خویش بد استفاده می کنند، اما معنای واقعی سخن امام این است که فرزند زمان باشید یعنی شرایط روز و نیازهای جامعه خویش را خود بدست آورید و خواسته های مشروع روزتان را به دست غیر نسپارید.

آموزشهای مجدانه جوانی سعادت و خوشبختی آینده است

همزمان با مراجعت افتخار آفرینان المپیاد ریاضی نوجوانان کشور ما که از کشور تایوان برگشتند و در بین بیش از 70 کشور جهان 5 مدال طلا و یک مدال نقره دریافت داشتند. بلی تحمل رنج و تعب تحصیل علم و دانش، آینده را درخشان می سازد و سیادت و سعادت دوران بزرگسالی و پیری را تضمین می نماید.

حضرت علی علیه السلام فرمود: **تعلموا العلم صغارا تسودوا به کبارا** (122).

کسی که در کودکی تحصیل علم و دانش نماید در بزرگی و بزرگسالی پیشرفت و تقدم اجتماعی نخواهد داشت .

حقا که دانش پژوهان علوم در راه پیشرفت و تکامل، دانش لازم روز را کسب نمودند و برای ایران و ملت و مملکت خویش افتخار آفریدند، و اینها الآن جزء نوابغ کشورند و در آینده چراغهای پرفروغ خانواده خویش و جامعه خواهند بود و شما جوانان انقلابی کشور سعی کنید با ابتکارات و نوآوریهای علمی و فرهنگی برای ملت و کشور خویش افتخار بیافرینید و چشم و چراغ ملت باشید. و در دوران بزرگسالی و پیری سود برده و خانواده و ملت و مملکت خویش را سرافراز نمائید.

نقش تربیت در آئین دوست یابی

در آئین دوست یابی اسلام از طرف خاندان وحی ، دوستی و مصاحبت با ضالین و گمراهان را مورد نهی قرار داده است گرفته و شما جوانان سعی کنید هرگز با چنین مردمی مصاحبت و دوستی براه نیندازید.

حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام به بعضی از فرزنداناش فرمود: یا بنی انظر خمسة فلا تصاحبهم و لا تحادثهم و لا ترافقهم فی طریق . فقال یا ایت من هم ؟ قال علیه السلام ایاک و مصاحبة الکذاب فانه بایعک بءکلة او اقل من ذلک و ایاک و مصاحبة البخیل فانه یخذلک فی ماله احوج ما تكون الیه و ایاک و مصاحبة الاحمق فانه یرید ان ینفعک فیضرک و ایاک و مصاحبة القاطع الرحمه فانی وجدته ملعونا فی کتاب الله ⁽¹²⁴⁾.

دو نفر که با هم رفاقت کنند آنکه نسبت به رفیقش با مداراتر است اجرش اعظم است و خداوند وی را بیشتر دوست می دارد.

برادرم ، جوان عزیز!

مدارای بیشتر با دوستانت موجبات محبوبیت و کرامت نفس تورا به پیشگاه خداوند مهربان فراهم می سازد. بلی !! برادر دوستانی انتخاب کن که - آنان را دوست بدارد و از دوستی با ضالین و گمراهان برای کسب رضای خدا اجتناب کن و با دوستان خوب اگر مدارا کنی در این صورت است که خداوند دوستت می دارد و لذا بکوش که این جایگاه عزتمند را به خود اختصاصی دهی . و محبوبیت از طرف ذات اقدس باری تعالی را برای خود کسب کنی که خدا دوستت بدارد نه شیطان و شیطان صفتان . از شیاطین همیشه اجتناب کن و از ایشان دور باش .

با گمراهان مصاحبت و دوستی مکن

در انتخاب دوست ، و اینکه چه کسی صلاحیت مصاحبت با شما را دارد
حضرت علی می فرماید: **ایاک و صحبة من الهاک و اغراک فانه یخذک و یوبقک**
(126).

جوانان بی همسر بدترین افراد امت من هستند.

در روایت آمده مردی به نام عکاف ، زن نمی گرفت ، روزی به محضر پیامبر
اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شد. حضرت پس از اینکه از امکانات مالی و سلامت
جسمی او پرسشهایی کرد و او جواب مثبت داد در کمال صراحت فرمود: تزوج
و الا فانت من المذنبین (128)

جوانی شعبه ای از دیوانگی است و زنان دام شیطانند.

دوران جوانی ، دوران نبوغ فکری و تبلور رشد، کمال و کرامت انسانی است ، هرگاه جوان این نیروی خلاق و کار آمد جوانی را در مسیر تعلم و آموزش و پرورش قرار ندهد. در وادی تحیر و سرگردانی دو صد پا از جنون و دیوانگی فراتر خواهد رفت ، و در این حالت هیچ تمایزی بین پسر و دختران نیست ، هر دو به نوعی گرفتارند، و اما اینکه چرا زنان دام شیطانند را بعد از جنون جوانی ذکر کرد؟ باید گفت چه بسا جنون جوانی از عشق به زن و بر عکس به وجود می آید، و از همین راه دختر و پسر و زن و مرد گرفتار عشق و عاشقی می گردند و مجنون وار یکدیگر را تعقیب می نمایند و مشکل بزرگ جوانان و مردان همین است که در دوران جنون جوانی بتوانند از دام زنها رهائی یابند و زنان و دختران هم گرفتار عشق پسران و مردانند و اگر به سرنوشت صحیح زندگی مهر صحت و سلامت و دیانت بزنند و از دام حيله و مکر زنان بی بند و بار بدر آیند. در حقیقت جنون جوانی گرفتاری در دام پر مکر و حيله زنان است . ای جوان ، آب ندامت و توبه به آتش گناهان و غفلتهای گذشته بباش ، و از چنگال جنون جوانی و نادانی بدرآ و بگریز و به وادی عقل و درایت و کمال و رشد علمی و عملی وارد شو که سعادت و خوشبختی خود را تضمین خواهی کرد.

تربیت‌های ضد فضیلت و ضد انسانیت!

انسان در تاریخ دستخوش تحولات و تغییرات فاحش قرار دارد، بیشترین اهداف شوم استعمارگران و استثمارگران در جوامع بشری روی جوانان اعم از دختر و پسر سرمایه گذاری می شود.

آریستوم حاکم جابر گوم سعی می کرد که رشادت جوانان را کم کند و تبدیل به خفت و خواری نماید، او دستور می داد که نوجوانان مانند دوشیزگان بایستی زلفهایشان را بگذارند دراز شود و موهایشان را با گلها آرایش کنند و پیراهنهای رنگارنگ که تا پاشنه پای آنها بیاید بر تن نمایند، وقتی نزد معلم رقص و موسیقی می روند، زنها بر ایشان چتر و باد بزن و عطر بپزند و در گرمابه به آنها شانه و آئینه بدهند این طرز پرورش تا بیست سالگی ادامه داشت.⁽¹³⁰⁾

پیغمبر اکرم فرمود: محبوبتر از هر چیز نزد خداوند جوانی است که از گناه توبه کند و از پیشگاه الهی طلب آمرزش می نماید.

چرا جوان تائب به پیشگاه خداوند محبوب است ؟

چشم پوشی از همه لذائذ و زیباییها، و نقد موجود را رها کردن و لذائذ مادی
جلوه های زرق و برق حیات را پشت سر افکندن و آخرت نادیده و نسیه را
نگریستن ، و به خدا و دین و دل به پیامبران باختن ، کار حضرت فیل است لذا
جوان تائب محبوبترین انسانها به پیشگاه حضرت احدیت است .

جوان و بازگشت او به اصالت و فطرت اسلامی خویش

توبه در جوانی بازگشت به خدا و فطرت پاک اسلامی خویش است ، و احراز و به دست آوردن این خصیصه در جوانی گرمی تر و پرارزتر است . پیامبر گرامی اسلام فرمود: **التوبة حسنة لکنه فی الشباب اءحسن** ⁽¹³²⁾ محبوبتر از هر چیز نزد خداوند جوانی است که از گناه توبه کند و از پیشگاه الهی طلب آمرزش نماید.

در جوانی پاک زیستن با همه توان گناه ، و چشم از همه تلذذ، و تکلیف حرام پوشیدن هنر است ، همت و مقاومت خدا پسندانه است . پاک زیستی ، و از سلامت نفس و عمل شایسته برخوردار بودن نشان سعادت و احراز انسانیت کامل و نیکبختی تام و تمام است ، و اختیار هم با شما است ، که تا چه راهی را برگزینی ، و خجالت چه کسی را داشته باشی ، خدا؟! یا شیطان؟! انتخاب با تو است .

در بوستان قلبت بذر گل‌های محمدی صلی الله علیه وآله وسلم بیفشان
دل‌های نوجوانان همانند زمین مساعد و هموار خالی از هر نوع گل و گیاه و
خار و علف‌های هرزه است که هر بذر گل و خاری در آن بیاشی می پذیرد. امام
علی علیه السلام فرمود: **وانما قلب الحدث كالارض الخالية ما القى فيها من شئ ء قبلته**
(134).

رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: همان طور که فرزند عاق پدر و مادر می شود پدر
و مار نیز عاق فرزند شایسته می شوند.
پدر و مادر وظیفه شناس و غیر متعهد که حقا در حقوق فرزند خویش
خیانت می نمایند و از هر جهت مانع رشد و تکامل مادی و معنوی فرزند خود
می شوند سزاوار است که فرزندان شایسته و صالح والدین بی فضیلت و بی
ایمان را تحت عاق خویش قرار می دهند.

معلم و کارهای ارزشی او

ارزش های وجودی انبیاء در کار تعلیم و تربیت و پرورش انسانها است ، پیامبر ﷺ فرمود انما بعثت معلما من برای تعلیم و تربیت مبعوث شده ام ، معلمی کار انبیاء است و معلم شغل و کار پیامبران را به عهده گرفته است . و کار تربیتی معلم چنانچه پیامبر خاتم ﷺ فرمود. برات آزادی از آتش جهنم را در بردارد، هر چند که مستوجب آتش بود چرا که معلم شایسته در دیوان محاسبات الهی معاف است . پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید: **من ربی صغیرا حتی یقول لا اله الا الله لم یحاسبه الله** (136)

سوگند به قلم و به آنچه که می آموزد: و این نیز از عظمت اسلام و پیش رفت مسلمین است که مروج علم و دانش بشر شده است . در کتاب قرآن و روانشناسی می خوانیم :

خداوند به قلم سوگند یاد کرده است . و این خود نشان دهنده ارزش والای قلم و کتابت است ، و اشاره به این است که قلم و نوشتن در کار آموزش و فراگیری دانش تاءثیر تعیین کننده ای دارد.

ن والقلم و ما یسطرون (138)

بهترین مطالبی که شایسته است جوانان بیاموزند چیزهایی است که در بزرگسالی مورد نیازشان باشد بتوانند در زندگی اجتماعی از آموخته های دوران جوانی استفاده نمایند.

بنابراین معلم با علوم و دانش و فنونی که برای من انتخاب می نمائید نیاز خود و جامعه اسلامی و آینده مرا در نظر بگیرید و مرا برای زمانهائی دور و

دراز مدت مترقی و متمدن بسازید و از علوم و دانش مفید و مؤثر بمن بیاموزید
که بتواند جامعه و آینده ام را درخشان سازد.

معلمم ، فطرت آگاهم را شکوفا کن

در شکوفا ساختن فطرت دینی و عقیدتی کودک ، مدرسه و معلم چه نقشی دارند؟

قوانین زندگی برای آنکه کامل باشند باید به صورت فطری در آیند. کسیکه در آغاز زندگی به شناخت خوبی و بدی عادت کرده ، در تمام عمر انتخاب خوبی و بدی عادت کرده ، در تمام عمر انتخاب خوبی و پرهیز از بدی ها برای او آسان خواهد بود، انسان همانطور که از آتش می ترسد از بدی ها نیز باید بهراسد. آتش گناه هم سوزاننده است و هم رسوا کننده . پس مبادا به آتش گناه سوخته و رسوا شوید. عهد شکنی و دروغگوئی و خیانت بنظر نه تنها اعمالی ممنوع می باشد، بلکه غیر ممکن می نماید برای بسط و گسترش این واکنشها در فرد، محیطی ضروری است که در آن اصول اخلاقی بطور دائم مورد توجه باشد.

فقط وجود الگو و سرنوشت درست است که مقررات زندگی را به ذهن یاد آوری می کند. نویسنده معتقد است که تمایلات غریزی انسان به سوی بدیها متمایل تر و بیشتر است تا به خوبیها، و می گوید: در انسان نیز همانند بعضی از حیوانات تمایل غریزی به تقلید وجود دارد. ولی بدیها را خیلی آسانتر از خوبیها تقلید می کنند، کودک طرز فکر و عمل افرادی را که می شناسد و یا می شنود و می خواند و فرا می گیرد؛ رفقا، استادان ، پدر و مادر، و به خصوص ستاره های سینما و شخصیتهای حقیقی و یا فرضی را که در روزنامه ها و مجلات می خواند سر مشق خود قرار می دهد، به قول فلتون در این سرایشب تقلید کودکان ، اگر آنان را به دست افراد بی فضیلتی بسپارند معایب بی حدی به بار خواهد

آورد فقط کسانی مربی خوبی هستند که به آنچه میگویند معتقد باشند و عمل کنند.

معلمم ، تو را می ستایم

کلام درر بار مولی الموحدین علی بن ابیطالب علیه السلام که در ارزش وجود معلم فرموده است :

من علمنی حرفا قد صیرنی عبدا

کسی که یک حرف به من بیاموزد مرا عبد خویش کرده است .

ارزش وجود یک معلم خدانشناس که درس خدانشناسی و آموزش صحیح و درست برای دانش آموز و دانشجو دارد، و او را به صراط مستقیم دین و شریعت هدایت مینماید به دانش و علوم و فنون راهنمایی میکند ارزش معنوی اش چه بسا بیش از این باشد.

پس آقای معلم ، قدر خویش بدان ، اگر قدر دانش آموزانت را شناختی و متعلمینت حقشان را ادا نمودی . در اینصورت تو کار انبیاء و سفیران الهی کردی و بر دانش جویانت سزاست که تو را تا حد پرستش ، حرمت نهند و دوستت بدارند.

معلمم به ارزشهای علمی و عملی بیفزاید

جوان با کسب علم و دانش مفید، به ارزشهای معنوی و مادی خود بیفزاید و بدان که در این زمینه بیشترین ترویج و توصیه و تبلیغ علم و دانش آموزی را اسلام داشته است. در کتاب، قرآن و روانشناسی می خوانیم:

یکی دیگر از بهترین دلائلی که نشان می دهد قرآن دانش و دانشمندان را گرامی داشته اینست که در مسئله اقرار به یگانگی و عدالت و قدرت و حکمت خدا، دانشمندان را پس از فرشتگان ذکر می کند:

شهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و اولو العلم قائما بالقسط لا اله الا الله هو العزيز الحكيم (141)

بهترین اثری که پدران برای فرزندان خود باقی میگذارند ادب و تربیت صحیح است نه ثروت و نه مال و نه حطب. پس شایسته است والدین بهترین اخلاق اسلامی را پیروی کنند تا این نعمت برتر الهی در بین ابناء بوراثت تقسیم گردد و بهترین مدرسه و معلم را برای تربیت و تزکیه نفس ایشان بکار گیرند، و از فرزندانشان نوابغ عالم پروراند و این در امکانات تربیتی هر پدری و هر معلمی موجود و قابل اجرا است.

معلمم ، قلبم به نور حکمت منور کن

از پندهای حکیمانه پدری بزرگوار، معلمی بی نظیر چون امیرالمؤمنین علیه السلام
بر فرزندی همچون امام حسن مجتبی علیه السلام چنین می خوانیم : **یا بنی اوصیک**
بتقوی الله و لزوم امره و عمارة قلبک بذکره و... و نوره بالحکمة... ⁽¹⁴³⁾ فرزندم با
نشان دادن فجائع دنیا قلبت را بصیر و بیناگردان : و از صولت و شوکت و تظاهر
به دنیا و پیروان آن بر حذرش دار و تقوای الهی و التزام به اطاعت از او امر و
نواهی خداوند و ادارش کن و تهذیب نفس و اصلاح قلب از کلیه شوائب و
ناخالصیها پاک ساز و تنویر افکار و تعلم حکمت و بینش اسلامی کار هر جوان
متعهد و مسئول است ، و اجتناب از فجائع و زشتیهای برای هر جوان روشنفکر
و تحصیل کرده می تواند یک درس باشد و خدمتگزار خویش و جامعه مترقی
کار بزرگ تربیتی است که پدر بزرگوار امت امیر مؤمنان علیه السلام همه ما را متنبه و
متوجه خویش ساخت .

معلم عزیزم از علم مفید و نافع برخوردارم کن

حضرت امیر در درسهای تربیتی به فرزندش حضرت حسن مجتبی علیه السلام چنین توصیه می فرماید، فرزندم ... و تفهم وصیتی ولا تذهبن عنك صفحافان خیر القول مان نفع واعلم انه لا خیر فی علم لا ینفع ولا ینتفع بعلم لا یحق تعلمه ⁽¹⁴⁵⁾ علم و دانش ، اخلاق و اوصاف شایسته با کمک معلمی متعهد و انسانی وارسته به دست می آید، قرآن ، درجات رفیع عالمان دین را مرهون معلمان متعهد و متخصص می داند و اندوخته های علمی متعلم را در گرو خدمات علمی و عملی معلمان به حساب می آورد.

جوانان !! نونھالان !! عمرتان دراز و عزتتان بر قرار!! در ظل توجهات قرآن و اسلام و اہلبیت علیہم السلام خود را بسازید، و در راه رشد و تکامل مادی و معنوی خویش کوشش کنید، و عزت و شوکت دینی و ایمانی خود را بدست آورید، و در المپیادها بر همه جوانان عالم سر آمد و سرافراز باشید.

معلمم! از نادانیهای من کاسته و بدانشم بیفزای

معلم بزرگ و الگو و نمونه عالم بشریت علی عليه السلام به فرزندش چنین می آموزد... فان اشكل عليك شىء من ذلك فاحمله على جهالتك به وانك اول ما خلقت جاهلا ثم علمت و ما اكثر ما تجهل من الامر و يتحير فيه راءيك و يضل فيه بصرك ثم تبصره بعد ذلك... (147)

پس روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن ، این فطرتی است که خداوند انسانها را بر آن آفریده ، دگرگونی در آفرینش الهی نیست ، این است آئین استوار حق ولکن اکثر مردم از این حقیقت آگاه نیستند.

در فطرت یعنی در سرشت انسان نوعی استعداد فطری وجود دارد که میتواند شگفتیهای مخلوقات خدا را درک کند و بروجود و یگانگی خدا استدلال کند بنابراین وجدان بیدار، و فطرت آگاه جوان را معلم میتواند شکوفا سازد و به او تعهدی شایسته ببخشد. (149)

جوان و آزادی عمل

حریت و آزادی نعمتی بزرگ است و خداوند بندگانش را آزاد و حر آفریده است ، ولی آزادگان به گونه ای که مزاحم آزادگان دیگران باشد و موجبات ایذاء و اذیت جامعه را فراهم نماید نه تنها نیکو و شایسته نیست . بلکه به شدت محکوم است ، و نوع آزادی که اغلب و قریب به اتفاق نسل جوان امروزی می طلبند در ایذاء و اذیت محدودیت و محرومیت غیر و تضييع حقوق دیگران را فراهم می نماید. آزادی یک معنا و مفهوم خاصی دارد به طوریکه در اثر وجود آزادی ، هیچگونه محدودیت و ظلم و ستم در ابعاد مختلف برای هیچ احدی بوجود نیاید. روانشناس معروف ژان پل سارتر میگوید:

نسل جوان امروز دست و پا می زند که آزادی را به دست آورد، اما کوشش بی فایده است ، این نسل جوان است که در یک تمدن سرسام آوری به دنیا آمده و این تمدن همچون حیوان افسار گسیخته است که به شدت با تمدن اسلامی صریحا مخالف است و نمی تواند با واقعیت زندگی انسانی و اسلامی هماهنگ و همراه باشد، آزادیهای مطلق که امروز مقید به هیچ ضوابطی نیست - و تقلید کور شعارشان هرگز نمی تواند یک جوان متمدن را سعادتمند و موفق بسازد و چه بسا به مال و آرزوهای نفسانی خویش هم نمیرسند - و در حقیقت این آزادی نمی تواند خواسته های جوانان را برآورده نموده و اشباعشان کند. (آندره آید)، دانشمند روانشناس در این زمینه می گوید:

خانواده من از تو نفرت دارد، آن جوانان موجوداتی نفرین شده و دور از اجتماع اند با مردم خویشی دارند، (ولی از آنان به دورند حالت انزوا و گوشه نشینی اختیار می کنند، میز خود را می شناسند، و چون بزرگ شدند و تکامل

یافتند با حالتی افسرده و ناامید دست به خودکشی میزنند، یعنی پایان و تکامل زندگی این چنین متمدن دست به انواع اعتیاد و یا عشقهای باطل و نادرست و عاقبت کار ایشان خودکشی است .

(ژان پل سارتر روانشناس معروف) آخرین پناهگاه جوانان آزاده را خودکشی می داند، یعنی آزادیهای مطلق العنان که دست به هر جنایتی میزنند، و نمی توانند اشباع گردند. او می گوید:

پس جوانان به کی پناه ببرند، و اگر خودکشی نباشد سرگرمیها و شب زنده داریها، افراط در میگساری و در امور جنسی ، خارج شدن از محیط گرم زندگی و پناه به بیغوله ها خرابه ها خودداری از اطاعت به مقررات اجتماع که نمونه آن بیتل ها (پانکیها و غیره را تهدید می کند) و برای نسل جوان امروزی است که یک نوعی خودکشی تدریجی و انحطاط مسلم به شمار می آید.

بنابراین پل سارتر، نسل جوان زمان ما زندگی خویش را تجاوزگر از قانون و سرکش و طغیانگر معرفی می کند. و نتیجه آزادی و آزادی خواهی را خطرناک تر می شناسد و می گوید:

جوان امروز تجاوز از قانون ، و سرکشیها و طغیان را برای خود سنت میداند، و این وضع در کشورهای پرجمعیت به مراتب خطرناکتر است چرا جوان سربه راه نیست؟! چرا جوان به ازدواج قانونی تن در نمی دهد؟ چرا از مضرات افسار گسیختگی و عصیان و طغیان متنبه نمی گردد؟!

زیرا جوانان برای خود تصوراتی دارند که بنا به اعتقادشان زندگی برای آنها عادی است و اگر غیر از این باشد به هیچ عنوان از دنیای بهتر دیگر استقبال نمی کنند، آنگاه ژان پل سارتر می گوید: شاید این اخلاق فطری از شرائط

انسانی است و در دنیای امروز نسلی سرسام آورتر از تمدن جدید، او را باین
مرحله می کشاند...⁽¹⁵¹⁾

بنابراین ارسطو معلم اول و فارابی معلم ثانی شهره آفاق شدند.

اخلاق و چگونه زیستن فارابی

علماء و دانشمندان بزرگ با اخلاق و روش خاص ویژه خود می زیستند، اغلب با زندگی خاص و زاهدانه همراه با قناعت و اقتصاد موجبات رشد علمی و تکامل معنوی خود را فراهم کردند. در شرح حال ابونصر فارابی معلم ثانی چنین نوشته اند:

ابونصر از جنبه اخلاقی هم از اغلب فلاسفه برتر بوده و بر قناعت روزگار می گذراند، به خلوت و تنهایی انس بسیار داشت و اغلب در کنار رودخانه به سر می برده و به اندک موجود قانع بود چنانکه می گویند: از سیف الدوله هر روز چهار درهم بیشتر نمی گرفت و ما بقی آنچه به دست می آورد به فقراء انفاق می کرد.

ابونصر به تجمل اعتنا نمی کرد و سعادت و عظمت فیلسوف را در ترک دنیا می دید و علائق بسیار به گوشه نشینی داشت .

ابونصر فارابی با اینکه در مسائل اخلاقی به ارسطو معتقد بوده عملاً تابع افلاطون بوده ، و سعادت نفس را در تجرد و ترک علائق مادی می دانسته و گوشه نشینی را به شدت دوست می داشته است چنانکه در یکی از تصویرات و تالیفات خود که شرائط متعلمان فلسفه را ذکر می کند گفته است :

جوان و نعمت سلامت جسم و روان

کسی که به تحصیل حکمت می پردازد باید جوان و تندرست باشد، آداب آموزش و پرورش اعلام و نیکان و اختیار را از دست ندهد علوم شرع و قرآن و لغت را پیش از آن آموخته باشد، عقیف و راستگو باشد غدار و خائن نباشد، به گرمی بازار خود با حيله و مکر نپردازد.

و در ادامه ، در زمینه ایجاد مدینه فاضله ، و اطاعت از خدا و اجرای اعمال شرعی و ارکان شریعت غافل نگردد.

مصالح زندگانی را فراهم کرده ، وظائف شرعی را انجام دهد، و هیچیک از آداب و ارکان شریعت را ترک نگوید، علم و علماء را بزرگ شمارد، و جز علم و علماء را بزرگ نشمارد، و فلسفه را حرفه نکند هر که به خلاف این صفات باشد حکیم دروغی است .

ابونصر نتیجه علم و مقدمه سعادت را اخلاق می دانسته و برای عالمی که اخلاق نداشته باشد هیچ گونه کمال و بزرگی قائل نبوده است .

ابونصر در یکی از کتب خود می گوید: تمامی سعادت به مکارم اخلاق است ، چنانکه متمم درخت ، میوه است .

هر که علمش وسیله تهذیب اخلاق او شده خوشبخت است ⁽¹⁵³⁾. معلوم می شود که تنها دانش محض را فضیلت نمی داند، بلکه چهار قسم آن دانش ، تواءم با عمل است ، و یک قسم آن ، دانش محض است ، و خلاصه نظر سقراط این است که فضیلت در نیکوکاری است .

علوم الهی و مابعد الطبیعه

توجه جوان مسلمان به تعلم علوم الهی و بویژه علوم مابعد الطبیعه جزء فطرت و جبلت اوست و علوم ادیان و ابدان در نزد او از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است ممکن است در سطح دانشگاههای اسلامی مسئله متافزیک و مابعد الطبیعه مطرح نباشد و یا بسیار کم مورد بحث و بررسی قرار گیرد، اما از زبان فارابی معلم ثانی چنین می خوانیم: در کتاب احصاء العلوم اهمیت علم الهی و مابعد الطبیعه را متذکر شده و آنرا جزء علوم می شمارد، و می گوید: علم طبیعی (فیزیک) است، و علوم طبیعی در مورد اجسام طبیعی یا مصنوعی بحث می کند، و فرق میان علت های نمائی و فاعلی اجسام و ماده و صورت، آنها را مشخص می نماید و پیرامون عرضها، جسم و مراتب اجسام طبیعی بسیط و مرکب سخن می گوید (لکن علوم الهی و متافیزیک از نظر فارابی دارای تاءثیر و تاثر بیشتری است).

فارابی پس از تقسیم علم طبیعی به هشت قسمت بر اساس کتابهای ارسطو به تعریف علم الهی و متافیزیک می پردازد و اشاره می کند که در این تعریف از کتاب مابعد الطبیعه ارسطو پیروی کرده است، و او علم الهی را به سه بخش تقسیم می نماید.

1- بخشی که در آن از موجودات و چیزهایی که عارض هر موجود می شود بحث می نماید:

2- بخشی که در آن از مبادی برهانی در علوم بحث می نماید.

معلم اول ارسطو

آیا می دانید مفسر و معلم کتاب ماوراء الطبیعه ارسطو کیست؟! ابو نصر فارابی توان تفسیر و تشریح ماوراء الطبیعه را به دست آورده است و از این جهت به معلم ثانی لقب گرفت ، با اینکه بوعلی سینا توان فهم کتاب ماوراء الطبیعه ارسطو را نداشت ، کتاب فوق العاده مهم و بزرگ ماوراء الطبیعه ارسطو را معلم ثانی یعنی فارابی تفسیر و تبیین و تفهیم کرد.

شیخ الرئیس در کتاب الاضحویه خویش می گوید:

کتاب ماوراء الطبیعه ارسطو را چهل بار خواندم ، و همه عباراتش را از برشدم ، اما معانی آنها دستگیرم نشد، و مقصود نویسنده را در نیافتم ، ناامیدی دامنم را گرفت با خود گفتم ، پسینگاه روزی به بازار و راقان روم ، با دلالی رویرو شدم که کتابی در دست داشت ، و برای فروش آن جار می زده و به من رسید، از من خواست تا آن کتاب را بخرم ، چون فکر کردم از جمله کتابهای بی ارزش است با بی میلی از خرید آن چشم پوشیدم ، دلال گفت چون صاحبش به پول نیاز دارد آنرا به سه درهم می فروشم این سخن در من اثر کرد، و کتاب را خریدم ، پس از بررسی دریافتم که شرح ابونصر فارابی بر کتاب مابعد الطبیعه ارسطو است ، به خانه بازگشتم با شتاب به مطالعه آن پرداختم به زودی معانی سخن ارسطو برایم روشن شد، زیرا همه عبارت آنرا چون بسیار خوانده بودم از برداشتم بی اندازه شادمان شدم روز بعد به شکرانه این پیروزی مال فراوان به تهیدستان بخشیدم .

بوعلی سینا می افزاید: پیوسته براین شیوه دانش اند و ختم تا همه دانشها را نیک بیاند و ختم و هرچه از آن هنگام برایم روشن شده همان است که اکنون می دانم ، و از آن پس چیزی بر آن ها نیفزودم ⁽¹⁵⁵⁾

جوان ، شاید، تو نیز چیزی از استعداد و قوای هوش و ذکاوت بوعلی سینا کمتر نداشته باشی آگاه باش که تلاش و کوششهای مجدانه است ، تورا به مقامات والای بو علی ، و بوعلی سیناها می رساند، و تو نیز همچون فارابی و ارسطو خواهی درخشید.

لذا کار و تلاش کن ، از بازی های بی ارزش و بی فایده به کلی پرهیز کن تا شیخ الرئیس بوعلی سینای زمان بشوی .

خداوند توفیق تربیت صحیح و شایسته فرزندانمان را به ما عنایت فرماید و ایشان را خلف صالح ما قرار دهد و چراغ پرفروغ ولایت و محبت اهلیت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم را با دست ایشان در خانه و کاشانه ما روشن نگهدارد. در اینجا با ذکر دعایی مخلصانه از حضرت سجاد علیه السلام، کتاب را به پایان می بریم : **الهم و من علی ببقاء ولدی و باصلاحهم لی و بامتاعی بهم . الھی امدد لی فی اعمارهم و زد لی فی آجالهم و رب لی صغیرهم و قولی ضعیفهم و اصح لی ابدانهم و ادیانهم و اخلاقهم**

آمین یا رب العالمین

موفق باشید

سید حسین موسوی راد لاهیجی

حوزه علمیه قم

1- غرر الحکم ، ص 293.

2- الشمس ی 10 - 9

3- التحريم ، ی 6.

4- التحريم ، ی 6.

- 5- غرر الحكم ص 239.
- 6- سورة نور، آيه 33.
- 7- س نور، 26.
- 8- فروع كافي ج 5، ص 368.
- 9- فروع كافي ج 5، ص 368
- 10- راه زندگي ص 91.
- 11- لثالي الاخبار ص 267.
- 12- التكليف النفسى ، ص 165.
- 13- نهج البلاغه فيض الاسلام ص 975.
- 14- بحار، ج 17، ص 214.
- 15- بحار، ج 17، ص 214.
- 16- بررسى و نقد افكار راسل ، ص 159.
- 17- المعجم الوسيط ص 1024.
- 18- تنمة المنتهى ، ص 17.
- 19- تاريخ علوم ، ص 707.
- 20- المستطرف ج 2، ص 218.
- 21- غررالحكم ، ص 379.
- 22- آيات بينات علامه محقق الحاج شيخ محمد تقى تسترى ص 195.
- 23- س نوح ، 27.
- 24- س مريم 19، آيه 33.
- 25- سورة مريم ، ى 15.
- 26- آل عمران ، ى 38.
- 27- تفسير الميزان جلد 3، ص 274.
- 28- راه زندگي ص 156.
- 29- بحار جلد 14، ص 397.
- 30- انسان موجود ناشناخته ، الكسيس كارل ، ترجمه ذبيح الله منصورى ، ص 253.
- 31- انسان موجود ناشناخته ، الكسيس كارل ، ترجمه ذبيح الله منصورى ، ص 253.
- 32- مستدرک الوسائل ، ج 2، ص 631.

- 33- ج 3، بحار ص 44.
- 34- مجموعه ورام جلد 1، ص 6.
- 35- ابراهیم صفایی .
- 36- سفینه البحار ص 369 جلد 2.
- 37- معانی الاخبار، ص 345.
- 38- نهج البلاغه ، ملا فتح الله ، ص 149
- 39- گفتار فلسفی ، ج 1، ص 9.
- 40- غرر الحکم ص 650.
- 41- مستدرک ج 3، ص 223.
- 42- سوره 8، ی 25.
- 43- اقتباس از کتاب شفا خوراک درمانی تاءلیف دکتر رحجان ص 314.
- 44- مجله اخبار هفته .
- 45- اعجاز خوراکیها ص 175.
- 46- اعجاز خوراکیها ص 175.
- 47- مکارم الاخلاق ص 88.
- 48- اعجاز خوراکیها، ص 153 - 154.
- 49- اعجاز خوراکیها، ص 175.
- 50- اعجاز خوراکیها، ص 175.
- 51- سفینه البحار ج 2، ص 84 ماده طعم .
- 52- مستدرک الوسائل ج 3، ص 71.
- 53- بحار، ج 14، ص 771.
- 54- بحار، ج 14، ص 772.
- 55- مکارم الاخلاق ص 88.
- 56- مکارم الاخلاق ص 88.
- 57- قانون ، بوعلی سینا، ج ، ص 246.
- 58- المعجم المفهرس لالفاظ غرر الحکم جلد 3، ص 3172.
- 59- اقتباس از کتاب عقده حقارت ، ص 12.
- 60- تنمة المنتهی ، ص 370.

- 61- فهرست غررالکھ ص 14.
- 62- فهرست غررالکھ ص 14.
- 63- غررالکھ و دررالکھص 4228.
- 64- مکارم الاخلاق ص 90.
- 65- وسائل الشیعه ، ج 5، ص 115.
- 66- وسائل ج 5، ص 115.
- 67- بحارج 23، ص 122.
- 68- وسائل الشیعه ، ج 7، ص 123.
- 69- ثمرات الاوراق ، ص 59.
- 70- بحار الانوار ج 43، ص 238.
- 71- سفینه البحار، ج 1، ص 664.
- 72- سفینه البحار، ج 1، ص 662.
- 73- سفینه البحار، ج 1، ص 662.
- 74- سفینه البحار، ج 1، ص 662.
- 75- سفینه البحار، ج 1، ص 662.
- 76- بقره ، ی 233.
- 77- وسائل الشیعه ، ج 15، ص 177.
- 78- زیارت امام حسین در روز عرفه مفاتیح الجنان ص 602.
- 79- غررالکھ ص 341، فصل بیستم .
- 80- تفسیر المیزان ، ج 2، ص 362 طبع جامعه مدرسین .
- 81- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص 35.
- 82- وسائل الشیعه ، ج 15، ص 175.
- 83- وسائل الشیعه ، ج 15، ص 175.
- 84- وسائل الشیعه ، ج 15، ص 176.
- 85- مکارم الاخلاق ، ج 1، ص 270.
- 86- ناصبیه به کسانیکه سب و ناسزا به حضرت علی (ع) می گویند.
- 87- وسائل الشیعه ، ج 15، ص 188.
- 88- وسائل الشیعه ، ج 15، ص 189.

- 89- وسائل الشيعه ، ج 15، ص 189.
- 90- روضات الجنات ، ج ، ص .
- 91- قانون ، بوعلی سینا، ج 1، ص 253.
- 92- غررالحکم ص 337.
- 93- وسائل ج 5، ص 126 چاپ قدیم .
- 94- مکارم الاخلاق ص 219، فروع کافی ج 6، ص 4، بحار ج 101، ص 92.
- 95- رساله حقوق امام سجاد علیه السلام .
- 96- جامع الصغیر - کتاب وافی باب الولادات به نقل از حقوق زن در اسلام و جهان ص 54.
- 97- راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی علیه السلام، تاءلیف علی محمد حسینی ادیب ترجمه دکتر رادمنش .
- 98- وسائل الشيعه ج 15، ص 203.
- 99- نهج البلاغه فیض الاسلام ص 45 خطبه دوم .
- 100- انسان موجود ناشناخته ، الکسیس کارل ، ص 304
- 101- کمال الدین ج 2، ص 430- غیبت شیخ طوسی ص 139 نقل از کتاب امام مهدی عج ص 252.
- 102- سوره مریم ی 30.
- 103- سوره نمل ی 92.
- 104- سوره یوسف ی 12.
- 105- الامام مهدی من المهدالی الظهور ص 253.
- 106- شرح غرر الحکم و درر الکلم آمدی ش 4345- ش 4234
- 107- کافی جلد 6 صفحه 49.
- 108- مکارم الاخلاق صفحه 115.
- 109- غرر الحکم صفحه 645.
- 110- وسایل ج 5 صفحه 28.
- 111- وسائل ج 5 طبع قدیم ص 115.
- 112- بحار ج 1 قدیم ص 55.
- 113- فهرست غررالحکم ص 267.
- 114- کافی ج 1 ص 34.

- 115- بلاغة علی بن الحسین صفحه 93.
- 116- غررالحکم صفحه 372.
- 117- مستدرک ج 2 ص 353.
- 118- تفسیر برهان ص 882 به نقل از الحدیث ص 353 ج 1.
- 119- غررالحکم ص 372.
- 120- شرح ابن ابی الحدید 20 کلمه 817 ص 333.
- 121- شرح ابن ابی الحدید ج 20 کلمه 98 ص 267.
- 122- غرر الحکم ص 697.
- 123- تحف العقول ص 279.
- 124- کافی ص 380 نقل از اقوال الائمه ج 5 ص 106 و 107.
- 125- غرر الحکم صفحه 152.
- 126- مستدرک جلد 2 ص 531.
- 127- مستدرک جلد 2 ص 531.
- 128- نهج الفصاحه ج 1792 ص 380.
- 129- از کتاب اقوال الائمه ، ص 161، ج 5.
- 130- مشکوه الانوار صفحه 155.
- 131- مجموعه ورام 2 صفحه 118.
- 132- مشکوة الانوار صفحه 155.
- 133- نهج البلاغه فیض ص 903.
- 134- الخصال ج 77 ص 64.
- 135- نهج الفصاحه حدیث 3012.
- 136- سوره لقمان آیه 17.
- 137- سوره قلم آیه 1.
- 138- شرح ابن ابی الحدید ج 20 ص 333 به نقل از الحدیث ج 2 ص 15.
- 139- کتاب راه و رسم زندگی ص 162.
- 140- آل عمران آیه 18.
- 141- روضه کافی ص 150.
- 142- بحار ج 74 ص 200.

- 143- بحار ج 74 ص 200.
- 144- بحار ج 74 ص 200.
- 145- مجادله آیه 11.
- 146- بحار ج 74 ص 200.
- 147- سوره روم آیه 30.
- 148- تفسیر قرطبی ج 14 ص 29 و تفسیر جلالی ص 34.
- 149- قرآن و روانشناسی ترجمه عرب ص 22.
- 150- انگیزه های روانی ص 359.
- 151- اندیشه های اهل مدینه فاضله ترجمه دکتر سجادی (مقدمه) ص 1.
- 152- احصاء العلوم فارابی ص 29.
- 153- نقل از کتاب تربیت از دیدگاه اسلام ص 17.
- 154- کتاب الاضحویة بوعلی سینا، ص 18
- 155- رساله الاضحویة تالیف بوعلی سینا ص 18.

فهرست مطالب

2	پیشگفتار.....
4	انتخاب همسر.....
4	تربیت را از کجا شروع کنیم؟.....
8	در انتخاب همسر کفو و هم شاعن را اهمیت دهید.....
10	ازدواج با اموال ایتم و مساکین؟!.....
11	پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن.....
12	نقش وراثت در تربیت.....
14	وراثت از دیدگاه قرآن.....
15	ژنها عامل انتقال وراثت.....
16	چرا بعضی کودکان به پدر و مادر شباهت ندارند؟!.....
19	دوران بارداری.....
19	مسئولیت‌های مادر، در دوران بارداری.....
20	مادر و سعادت و شقاوت کودک!!.....
22	گزیده ای از اشعار پروین اعتصامی.....
23	حقیقت سعادت و شقاوت در چیست؟.....
24	پند پذیری سعادت، و غرور شقاوت است.....
25	نقش مادر در سوء تربیت فرزند.....
29	مادران جنایتکار.....
31	تغذیه زنان باردار.....
32	نقش خرما در حلم و تقوای کودک.....
33	وظائف مادر در دوران بارداری.....
34	تغذیه حلال و پاکیزه.....

- 35..... چرا بعضی از کودکان قسی القلب اند؟!
- 39..... عوامل زیبایی یا زشتی کودک؟!
- 40..... زیباییها و زشتیهای کودک از کیست؟!
- 44..... معایب جسمی و روانی کودک؟!
- 45..... عوارض پرخوری و پرخواهی
- 47..... اخطار به مادران باردار از داروهای شیمیایی
- 48..... نامگذاری کودک
- 49..... نام نیکو گرامی ترین عطیه والدین به فرزند است
- 50..... نامهای تحقیرآمیز جاهلیت
- 52..... نامهای نفرت انگیز
- 54..... در نامگذاری فرزند حرمت بزرگانان را پاس دارید
- 56..... دوران رضاع و شیرخواری
- 56..... مادر و دوران شیرخواری کودک
- 57..... قرآن شیر کامل را دو سال معین نمود
- 58..... امام حسین چگونه پرورش یافت؟
- 59..... صاحب و مالک شیر پدر است نه مادر
- 60..... فرزند از نظر تکوین و تشریح به چه کسی تعلق دارد؟
- 63..... یکی از دو پستان مادر غذا، و دیگری آب است
- 65..... مرضه زیبا، فرزند شما را زیبا می سازد
- 66..... تاءثیر شیر بر جسم و روان کودک
- 68..... دوران خطیر طفولیت
- 68..... دوران پس از شیر خواری
- 70..... کودک و مشقتهای تعلیم و تربیت
- 71..... به عهد و پیمان با کودکانان وفادار باشید
- 72..... جوان و ارزشهای نظامی و بسیجی
- 73..... آموزش ولایت و محبت به اهل بیت علیه السلام

- 75..... درس سخاوت و سیادت به کودکانتان بدهید
- 77..... نوابغ عالم چگونه پروریده شده اند؟
- 78..... امام زمان از کودکی صاحب امر دنیا و آخرت بود
- 79..... این صاحب شما است پس از من
- 81..... پدرم ، حرمت مادرم که پسری برای تو آورده پاس دار
- 83..... با نفس مجاهده نمائید تا به آینده درخشان راه یابید
- 86..... جوان ، در راه پیشبرد اهداف علمی و فرهنگی
- 87..... پژوهشگران علوم امروز، مشاهیر و اعلام فردايند
- 89..... جوان و مشکلات اقتصادی و اجتماعی روز
- 90..... آموزشهای مجدانه جوانی سعادت و خوشبختی آینده است
- 91..... نقش تربیت در آئین دوست یابی
- 92..... برادرم ، جوان عزیز!
- 93..... با گمراهان مصاحبت و دوستی مکن
- 94..... جوانی شعبه ای از دیوانگی است و زنان دام شیطانند
- 95..... تربیتهای ضد فضیلت و ضد انسانیت!
- 96..... چرا جوان تائب به پیشگاه خداوند محبوب است ؟
- 97..... جوان و بازگشت او به اصالت و فطرت اسلامی خویش
- 98..... در بوستان قلبت بذر گلهای محمدی صلی الله علیه وآله وسلم بپاشان
- 99..... معلم و کارهای ارزشی او
- 101..... معلم ، فطرت آگاهم را شکوفا کن
- 103..... معلم ، تو را می ستایم
- 104..... معلم به ارزشهای علمی و عملیم بیفزا
- 105..... معلم ، قلبم به نور حکمت منور کن
- 106..... معلم عزیزم از علم مفید و نافع برخوردارم کن
- 107..... معلم ! از نادانیهای من کاسته و بدانتشم بیفزا
- 108..... جوان و آزادی عمل

111.....	اخلاق و چگونه زیستن فارابی
112.....	جوان و نعمت سلامت جسم و روان
113.....	علوم الهی و مابعد الطبیعه
114.....	معلم اول ارسطو
122.....	فهرست مطالب